

# حقیقت

ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

دوره دوم

آبان ۷۱ شماره ۲۲

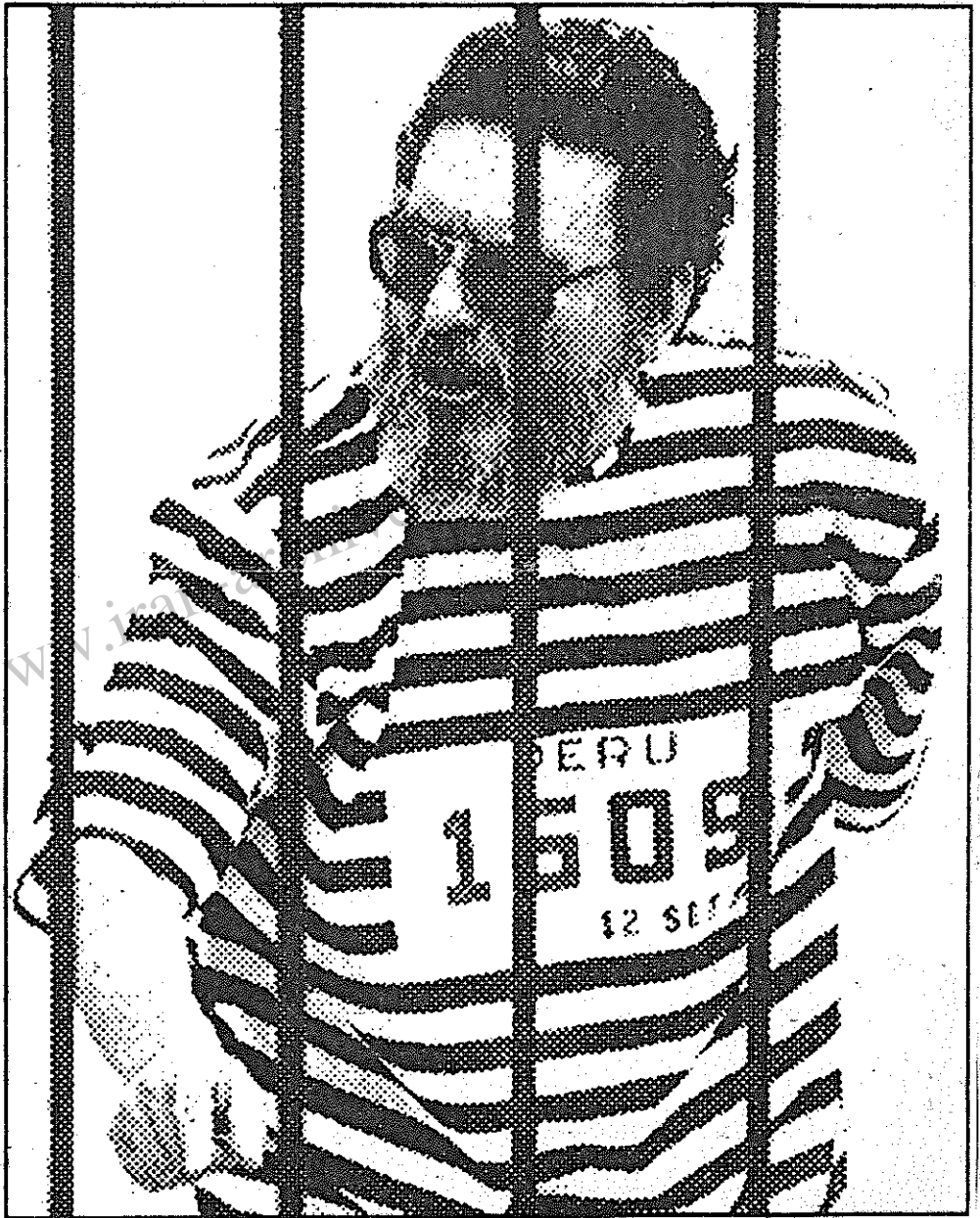
## آنچه باید از رفیق گونزالو و انقلاب پرو آموخت

می پرسید گونزالو کیست که اینطور سازش ناپذیر در برابر دشمنان ایستاده است؟ گونزالو کیست که اینقدر به او حمله میشود و «دشمن شماره یک» خطابش میکنند؟ در پرو چه خبر است؟

در پرو انقلابی در جریان است و صدر گونزالو رهبر این انقلاب است. او رهبر مردم فقیر و ستمدیده است که جرات کرده و سلاح بر دست گرفته اند، حاضر نیستند دیگر تن به خفت و بندگی بدهند و میخواهند پیروز شوند. این مردم هم اکنون پیروزیهای مهمی بدست آورده اند. برای اولین بار پس از اینکه در چین سوسیالیستی دولت پرولتاریا سرنگون شده، یکبار دیگر در مناطق وسیعی از کشور پرو دولت نوین انقلابی در حال شکل گیری بقیه در صفحه ۲

در این شماره می خوانید:

- ۳ - اعلامیه اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)
- ۴ - اطلاعیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی
- ۵ - اعلامیه ای از حزب کمونیست پرو
- ۵ - «انقلاب به پیشروی ادامه می دهد»
- ۵ - سندی از حزب کمونیست پرو
- ۷ - اهمیت کارزار کنونی و دورنمای نبرد
- ۹ - کارزار بین المللی برای دفاع از جان دکتر آیمال گوسمان
- ۹ - فراخوان برای تشکیل یک کمیته اضطراری بین المللی
- ۱۱ - چند گزارش از انقلاب پرو
- ۱۲ - اعلامیه کمیته کردستان
- ۱۶ - درباره فیلم ویدئویی «راه درخشانی ها»
- ۱۸ - درباره شکل گیری و تکامل یک کارزار
- ۲۰ - مصاحبه با یکی از اعضای دومین هیئت نمایندگی بین المللی اعزامی به پرو
- ۲۱ - سخنرانی تاریخی ۲۴ سپتامبر صدر گونزالو
- ۲۴



## زمین و زمان را در دفاع از جان صدر گونزالو بهم بریزید!

آنچه باید ...

است. در این مناطق توده ها مشغول ساختن جامعه نوین و اعمال قدرت خود میباشند. رفیق گونزالو رهبر این تحولات است. در اینجا دیگر آرزوهای توده ها برای رهائی از ظلم و بیداد، صرفاً يك خواب خوش نمیشد. این رویا به واقعیت تبدیل شده است. در مناطق آزاد شده پرو، بیخامانی، گرسنگی، ستم بر زن، بهره کشی از کودکان، جهل و خرافات و ستم مذهبی و مسائلی از این قبیل، تماما موضوعاتی مربوط به گذشته میباشند. زمانی که توده ها درباره این مسائل صحبت میکنند، از گذشته ها میگویند. «جامعه کهنه ناعادلانه بود. در آن جامعه مالکان ارضی وجود داشتند که توده ها را در زنجیر استثمار و ستم نگه میداشتند. ما از حزب بسیار آموختیم. در جریان جنگ خلق ما مالکان ارضی را با جاروی فولادین از اینجا روفتیم. و این چیزی بود که صدر گونزالو بما یاد داد»؛ این سخن «فرانسیسکو» یکی از اعضای کمیته های خلق (سازمان دولت انقلابی در مناطق آزاد شده) است. در این مناطق مایحتاج زندگی و کار دسته جمعی برای همگان تضمین شده است، بدون آنکه از بریز و بیاش جوامع ارتجاعی خبری باشد. مرتجعینی که پیشترها در اینجا حکومت کرده و نسل اندر نسل جانشین یکدیگر شده و شیره جان مردم را می کشیدند در جریان انقلاب ارضی و تحقق شعار «زمین به کشتگر» سرنگون گشته اند. رهبران انقلابی از میان خود مردم و با تصمیم و اراده خلق انتخاب میشوند. زن و مرد، پیر و جوان بدون هیچ تبعیضی در کنار یکدیگر فعالیت کرده و برای حل مشکلات جامعه، خود را سازمان میدهند. توده ها در اینجا برای نخستین بار بقول رفیق گونزالو «مزه غسل را بر لبان خود احساس میکنند» به همین خاطر است که دشمنان خلق به صدر گونزالو حمله میکنند. آنها می بینند که در این گوشه از جهان ضربات عمیقی به نظامشان وارد میآید؛ و انقلاب در این کشور نور امید در دل ستمدیدگان تمام دنیا می اندازد و راه نابودی دنیای کهنه را در مقابل آنها ترسیم میکند. دشمنان میخواهند که توده ها را از این منبع امید محروم کنند تا بتوانند نظام زشت و حیوانی خود را حفظ کنند.

می پرسید چطور چنین تحولاتی در کشور پرو امکانپذیر شد؟

کلید موفقیت انقلاب پرو رهبری آنست. این رهبری مسلح به ایدئولوژی و خط صحیح و انقلابی یعنی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم میباشد. دیدگاهی که با هیچ جنبه از دنیای ستم، فصل مشترک ندارد. تمام چیزهایی که منظر دنیای کهنه و عقب مانده است، استثمار و ستم، فقر و بندگی، ستم بر زن و مذهب تحت این ایدئولوژی «جاودانگی» و «طبیعی» یا «مقدس» بودن خود را از دست میدهد و راه نابودی شان ترسیم میگردد. این ایدئولوژی

متعلق به کسانی است که هیچ چیز برای از دست دادن ندارند و هیچ نفعی در حفظ وضع موجود ندارند. این ایدئولوژی محصول فعالیت و مبارزه پرولتاریای جهانی است و بقول رفیق گونزالو «برای نخستین بار ابزار نظری و عملی تغییر جهان را برای بشریت، بخصوص برای طبقه ما و دیگر توده های ستمدیده تامین کرده است» صدر گونزالو با این ایدئولوژی ساخته شده و تحت آن آبدیده گشته است.

رهبری انقلاب پرو، طی سالیان طولانی مبارزه علیه دیدگاههای انحرافی و سازشکار که میخواستند منافع خلق را به معامله با مرتجعین بگذارند؛ و طی سالها نبرد انقلابی با استثمارگران، شکل گرفت. این رهبری هیچگاه از هدف انقلابی خود که بقدرت رساندن توده ها از طریق جنگ میباشد، دور نشد. در کشور پرو بارها حکومتهای رنگارنگی بسرکار آمدند. حکومت نظامی رفت و حکومت دمکراسی پارلمانی جای آنرا گرفت. اما این جابجائی ها تغییری در سیاست انقلابی حزب بوجود نیاورد؛ چرا که تمام اینها حکومت سرمایه داران و مالکان بزرگ و نوکر قدرتهای بزرگ امپریالیستی بودند که تنها رنگ عوض کرده بودند. تحت هیچیک از این حکومتها تغییری در زندگی مشقت بار کارگران و دهقانان و زحمتکشان پرو ایجاد نشد. رهبری انقلاب پرو فریب ریاکاری دشمنان را نخورد و هرگز حاضر نشد که ذره ای از منافع خلق را قربانی امتیازاتی برای خود کند. آنها عمیقاً به این آموزش مارکسیستی وفادار ماندند که «بدون قدرت سیاسی همه چیز توهم است» و با جان و دل برای بقدرت رساندن توده ها جنگیده و آنان را گام بگام برای کسب قدرت انقلابی خودشان رهبری کردند. صدر گونزالو با جدیت به بررسی مبارزات ستمدیدگان در پرو و دیگر نقاط جهان پرداخت؛ او آموزشهای مائوتسه دون که راه انقلاب کردن در کشورهای تحت سلطه را بما نشان داده است را بطور صحیح درک کرد و آنرا در شرایط خاص کشور پرو بکار بست. بر این پایه رفیق گونزالو نقشه جنگ خلق را با اتکاء بر مناطق روستائی، طراحی کرد. این نقشه صحیح و پیروزمند درست منطبق بر شرایط جامعه پرو بود و بروی تضادهای اصلی جامعه انگشت میگذاشت. از اینرو توده ها کم کم جذب آن شدند. حزب کمونیست پرو زمانی که جنگ را آغاز کرد، حزبی کوچک بود. آنها نفرات کم و تجهیزات ناچیزی داشتند. اما این ها مانعی در برابر حزب نشد. صدر گونزالو با اعتقاد عمیق

به اینکه «توده ها سازندگان تاریخند»، فلسفه انقلاب را بمیان تھی دست ترین مردم شهر و روستا، یعنی به همان جایی که به آن تعلق دارد، برد و در کوره جنگ انقلابی توده ها را با بینش و روش صحیح انقلاب، مسلح ساخت. زمانی که توده ها به این ایدئولوژی دست پیدا میکنند آنوقت هر معجزه ای امکانپذیر است. کارگران و دهقانان فقیر و سایر زحمتکشان در پرو بعینه این تلاشها را شاهد بودند، خود را در آن سهم میدیدند و نقش تاریخساز خود

را درک میکردند. تا به امروز که ستمدیدگان در پرو ارتش چریکی خود را دارند و بقدرت آتش این ارتش قدرت سیاسی خود را در مناطقی مستقر کرده اند.

برای انقلاب کردن، برای دست زدن به چنین تحولات انقلابی، توده ها نیازمند رهبری انقلابی خود میباشند. رهبری با خصوصیات صدر گونزالو، رهبری که در میانه راه توده ها را رها نمیسازد و هرگز سر تسلیم در برابر دشمنان خلق فرود نمی آورد. رهبری که دوستان و دشمنان خلق را می شناسد و قادر است نقشه و برنامه درم شکستن ماشین کهنه دولتی را طرح کند و توده ها را برای انجام این مهم سازمان دهد. رهبری مانند صدر گونزالو که سرنوشت خود را به سرنوشت توده ها متصل کرده است و با دیدگاه و جسارت کمونیستی، صعود به قله کمونیسم را هدف قرار میدهد.

می پرسید آیا پرو استثنا است؟ آیا ما نمیتوانیم چنین کنیم؟

پرو استثنا نیست. هم اکنون در ایران و بسیاری کشورهای دیگر، احزاب و گروههای کمونیستی هستند که دارای همین دیدگاه و خطی میباشند که بر انقلاب پرو فرماندهی میکنند. آنها در تلاش برای سازمان دادن انقلاب در کشور خود میباشند. تجربه انقلاب شکوهمند پرو درسهای بسیاری برای فرا گرفتن دارد. ما از صدر انقلاب پرو بسیار آموخته ایم و باز هم میخواهیم بیاموزیم. امروز که در ایران نسل نوینی از انقلابیون جوان پا بعرصه مبارزه گذارده اند و در میدان نبرد بدنبال راه حل میگردند، باید به تجارب و درسهای انقلاب پرو نگاهی عمیق بیفکنند. این درسها که با خون بهترین دختران و پسران خلق بکف آمده، پرازش ترین چیزهاست. پیشروان انقلابی توده هرچه بیشتر این درسها را فرا گیرند، سازمان دادن انقلاب با سرعت و قدرت بیشتری پیش خواهد رفت. امکان ندارد که دست ای از کمونیستها هرچقدر هم آگاه و متعهد بتوانند بدون شرکت توده های انقلابی در کلیه امور، خود بتنهائی انقلاب کنند. پس، پیشروانی که با دیدن چهره صدر گونزالو می پرسند «او کیست که اینطور سازش ناپذیر ایستاده است؟ آیا ما هم میتوانیم؟» باید به صفوف مائوئیستها بپیوندند و در ساختن راهمان سهم بگیرند؛ تا توان کیفی و کمی ما صد چندان شده و امر تدارک و آغاز جنگ خلق در ایران شتاب گیرد ■

آدرس پستی ما

S. U. I. C.  
BOX 47072  
40258 GÖTEBORG  
SWEDEN

# برای نجات جان و رهائی صدر گونزالو نبرد کنید!

گونزالو، دولت نوین کارگران و دهقانان در مناطق روستائی پایه گذاری شد. صدر گونزالو، رهبر برسمیت شناخته شده دولت نوین در حال شکل گیری، از سوی توده های انقلابی پرو است. امروز تحت حاکمیت این دولت، توده ها متشکل در کمیته های خلق، ارتش چریکی خلق، و نهادهای متنوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، قدرت سیاسی خویش را اعمال میکنند.

بدین ترتیب بعد از ۱۶ سال که از سرنگونی دولت پرولتری در چین میگذرد، دورنمای دستیابی مجدد به قدرت سیاسی و آزاد ساختن بخشی از جهان امپریالیستی برای پرولتاریای بین المللی بسیار نزدیک گشته است. همین واقعیت است که پشت اربابان جهان را می لرزاند و پوچی لاف زنی هایشان را نشان میدهد. آنها خوب میدانند که تحقق چنین دورنمایی، منبع امید و الهام عظیمی برای توده های خلق در سراسر جهان فراهم می آورد. آنها بروشنی می بینند که امروز امواج انقلاب چگونه از سرزهای پرو گذشته و بر سایر کشورها تاثیر می گذارد. آنها دریافته اند که پیروزی جنگ خلق در سطح سراسری، این تاثیر تکان دهنده را صد چندان خواهد ساخت؛ بهمین خاطر است که با چنگ و دندان میکوشند تا از چنین تحولی جلوگیری کنند. آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی و نوکران محلی آنها امیدوارند با دستگیری رفیق گونزالو، امید و آرزوی ستمدیدگان به پیروزی و رهائی را خدشه دار کرده و روحیه انقلابیشان را درهم شکنند. آنها مذبوحانه در پی محو «اسطوره شکست ناپذیری» گونزالو هستند تا بدین ترتیب حقیقت شکست ناپذیر بودن کمونیسم را بپوشانند. آنها برای قتل صدر گونزالو نقشه می ریزند، تا شاید جنگ خلق در پرو، بمشابه طلایه دار و نوک پیکان انقلاب جهانی پرولتری، دچار وقفه گردد. امپریالیستهای یانکی ناباورانه بخود قوت قلب میدهد که با این واقعه، روند موج وار انقلاب در کشورهای آمریکای لاتین - یعنی درست بیخ گوششان - سد خواهد گشت. اما در واقع، دستگیری صدر گونزالو موضوعی است که توده ها را در پرو و سراسر جهان به آغاز نبردی نوین فرا می خواند و ابعاد بمراتب گسترده تری به حمایت بین المللی از جنگ خلق در پرو میدهد.

نبرد برای نجات جان و رهائی رفیق گونزالو، بطور عاجل در مقابل پای هر فرد و هر نیروی ضد امپریالیست و انقلابی و ترقیخواه قرار دارد. این نبرد، تبلور و کانون جدال میان انقلاب و ضدانقلاب جهانی است. صف یکپارچه دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی بقیه در صفحه ۴

ساختمان جهان نوین را ریخت. رفیق گونزالو ابزار اساسی و تعیین کننده برای پیروزی در انقلاب و پیشروی بسوی کمونیسم - یعنی يك حزب پیشاهنگ راستین مائوئیستی - را خشت به خشت ساخت و تکامل داد؛ و در این راه مبارزه ای بی امان و پیگیر و مداوم را علیه انحرافات و تحریفات و دیدگاه های بورژوائی که رنگ مارکسیستی بخود زده بودند، به پیش برد. او با اتکاء به آموزه های مائوتسه دون و فراگیر کردن تحلیل های پایه ای مائوئیستی، بر ماهیت بورژوائی نظامی که در شوروی بعد از استالین و در چین بعد از مائو حاکم گشت پافشاری نمود. بدین ترتیب او به توده ها نشان داد که امروز شوروی و چین، نه در صف خلق که در جبهه دشمنان جهانی انقلاب جای دارند. حزب کمونیست پرو تحت رهبری وی، کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی پرو را با چنین دیدگاهی تربیت کرد تا بتوانند مارکسیسم را از رویزیونیسم تمیز دهند و هیچ شکی نداشته باشند که آنچه در شوروی و بلوک شرق شکست خورد و فروپاشید، کمونیسم دروغین بود و نه کمونیسم واقعی. تحت رهبری صدر گونزالو، حزب کمونیست پرو برای خدمت به امر اتحاد مجدد کمونیستهای راستین جهان به «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» پیوست. این حزب با پیشگامی در برافراشتن پرچم مائوئیسم و بکاربست آن در انقلاب پرو، تعهد و اعتقاد خود به انترناسیونالیسم پرولتری را جلوه گر ساخت.

رفیق گونزالو راه انقلابی کسب قدرت سیاسی، یعنی جنگ انقلابی بر پایه استراتژی راه محاصره شهرها از طریق دهات را در جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره پرو به پیش نهاد. در جریان پیشبرد و گسترش این جنگ بود که مناطق پایگاهی بسیاری ایجاد گشت؛ تا آنجا که در حال حاضر نیمی از اهالی پرو در مناطق آزاد شده یا مناطق مورد مشاجره زندگی میکنند. جنگ خلق طی ۱۲ سال بدون هیچ کمک خارجی و با اتکاء کامل به نیروی لایزال توده ها، پیروزمندانه به پیش رفت و از مرحله دفاع به مرحله تعادل پا نهاد. قدرت آتش این جنگ، آنچنان ارتش و قوای سرکوبگر پرو را در هم کوبید و تا بدان حد حیات دولت کهن را بخطر افکند که از دو سال پیش، بخش ویژه ای از ارتش آمریکا به یاری قوای مسلح آن کشور شتافته است. این نیروی تجاوزگر که تحت پوشش «مبارزه با مواد مخدر» در پرو مستقر گشت نه تنها نتوانسته جلوی پیشروی جنگ خلق را بگیرد، بلکه خود نیز به آماج ضربات ارتش چریکی خلق بدل گشته است. در جریان این تحولات و تحت رهبری رفیق

روز ۱۲ سپتامبر (بیست و یکم شهریورماه)، رفیق گونزالو (آبیمال گوسمان)، صدر حزب کمونیست پرو توسط پلیس سیاسی حکومت فوجیموری که تحت هدایت مستقیم دستگاه بدنام «ضد چریکی» آمریکا قرارداد، دستگیر شد. او اینک با خطر اعدام یا يك قتل توطئه آمیز روبروست، دستگیری این رهبر انقلابی میلیونها کارگر و دهقان و روشنفکر پروئی، امواج خشم و اعتراض را در نقاط مختلف جهان برانگیخته است. دروغگوئی رسانه های گروهی جهان علیه صدر گونزالو و حزب و جنگ تحت رهبری که با سیاست سانسور آشکار و توطئه سکوت همراه گشته، نشانه آشکار وحشت اینان از انقلاب است. دشمنان انقلاب بدین طریق میخواهند ستمدیدگان را از حقایق دور نگهدارند. اما درست برعکس تصور آنها، امروز بسیاری از مردم - کسانی که تا بحال فقط نامی از «چریکهای راه درخشان» شنیده بودند یا تصویری مبهم و تحریف شده از تحولات پرو در ذهن داشتند - سؤال میکنند: برآستی صدر گونزالو کیست؟ چرا دولت پرو و قدرتهای امپریالیستی تا بدین حد از او هراس و نفرت دارند؟

رفیق گونزالو مظهر آگاهی کمونیستی و عزم و اراده پرولتاریا در راه نابودی این جهان کهنه است. رفیق گونزالو فرزند مبارزه طبقاتی است. او چکیده سالها رشد و تکامل و تلاش يك حزب در راه هدایت توده های محروم و ستمدیده بسوی کسب قدرت سیاسی و رهائی است. رفیق گونزالو پرچمدار جهان نوین، مناسبات نوین و دولت نوین در برابر نظام پوسیده و آدمخواری است که هنری جز تباهی و تحقیر و خرد کردن روح و جسم اکثریت مردم جهان ندارد.

رفیق گونزالو سمبل استواری بر یگانه ایدئولوژی رهائیبخش بشر یعنی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم است که زنده و شاداب و پویا در برابر عریبه های «مرگ کمونیسم» و «جاودانگی سرمایه داری» قدامت کرده است. او خدمات عظیمی به جنبش بین المللی کمونیستی کرده و نقش تاریخی برجسته ای در دوره بعد از شکست پرولتاریا در چین سوسیالیستی ایفاء نموده است. در شرایطی که بسیاری از احزاب و افراد از انقلاب روی برتافته و بیراهه نفی کمونیسم انقلابی را در پیش گرفته بودند، رفیق گونزالو بی تزلزل بر حقیقت مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم بعنوان عالیترین مرحله علم انقلاب و ایدئولوژی پرولتاریا تاکید گذاشت، توده های تحتانی را به این فلسفه و دیدگاه و راه علمی مسلح ساخت و طرح نابودی جهان کهنه و

# زمین و زمان را در دفاع از جان صدر گونزالو بهم بریزید!

رفیق گونزالو (آبیمال گوسمان)، صدر حزب کمونیست پرو و یکی از رهبران برجسته جنبش بین المللی کمونیستی، به تاریخ ۱۲ سپتامبر توسط رژیم ارتجاعی فوجیموری اسیر گشته است. اینکار بعد از ۱۲ سال تعقیب مداوم توسط ارتش و پلیس پرو و تحت هدایت دستگاه بدنام «ضد چریکی» امپریالیسم آمریکا به انجام رسیده است. اگرچه مجازات مرگ در قانون اساسی پرو غیرقانونی اعلام شده، اما در حال حاضر قانون اساسی به حال تعلیق درآمده و رژیم رفیق گونزالو را تهدید به اعدام میکند. مطبوعات امپریالیستی نیز مشغول آماده سازی افکار عمومی برای چنین جنایت بیشرمانه ای هستند. بنابراین، نبرد برای دفاع از جان رفیق گونزالو وظیفه ای است عاجل که بر دوش مردم جهان قرار گرفته است.

رفیق گونزالو با خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی خود نقش مرکزی در آغاز و پیشرفت استوارانه جنگ انقلابی خلق در پرو ایفا کرده است. این جنگ علیه طبقات حاکمه و اربابان امپریالیست آنهاست؛ همانها که قرنهاست به کسب سود و مکیدن شیره جان توده های پرونی اشتغال دارند. رهبری صدر گونزالو را میلیونها کارگر و دهقان برسمیت شناخته اند و دولت نوین آنها که دوران جنبینی را از سر میگذراند در جریان جنگ خلق ایجاد شده است. صدر گونزالو انقلاب در پرو را نه فقط بخاطر منافع توده های آن کشور، بلکه در خدمت به ستمدیدگان و استثمار شدگان سراسر جهان رهبری کرده و به پیش رانده است. رفیق گونزالو تصویری انقلابی و سازش ناپذیر از آینده کمونیستی ارائه میدهد؛ آینده ای که در آن از تقسیمات سبعانه طبقاتی و امپریالیسم خبری نیست. او دشمن سیاسی شماره یک امپریالیستها و مرتجعین جهان است؛ همانها که خواب ادامه حاکمیت خونبارشان تا ابد را می بینند.

میلیونها نفر در سراسر جهان که از نظام اجتماعی وحشی این نیروهای بورژوا متنفرند

برای نجات ...

که یکزیان از رفیق گونزالو بعنوان «خطرناکترین فرد روی زمین» و دشمن شماره یک نظامشان یاد می کنند، و در مقابل جنبش انقلابی رشد یابنده ای که در سطح بین المللی حول این مسئله بر پا گشته، به اندازه کافی گویای این واقعیت هستند.

ما تمامی توده های انقلابی و خواهان رهایی، و همه احزاب، سازمانها، نهادها و شخصیتهایی که در جبهه ضد ارتجاع و امپریالیسم جای دارند را به مبارزه مشترک در

به رفیق گونزالو و جنگ خلق تحت رهبری چشم دوخته اند تا نظم اجتماعی کهنه را بزیر کشد و نسیم تازه انقلابی - نسیم رهایی - را به همراه آورد. این نسیم مرز نمی شناسد و همه ستمدیدگان جهان را دربرمی گیرد.

دستگیری رفیق گونزالو ضربه ای دردناک برای مردم انقلابی سراسر جهان بحساب می آید. جان رفیق بشدت در خطر است. به این حمله باید بمشابهه يك مصاف نگریم؛ این صلاهی نبرد ماست: برای جلوگیری از کشتن رفیق گونزالو توسط مرتجعین بپاخیزیم و این هدف را با موفقیت به انجام رسانیم؛ مبارزه را با هدف تحمیل شکستی بزرگ بر کسانی که وی را به بند کشیده اند، به پیش بریم. دفاع از جان رفیق گونزالو بمعنای دفاع از حق شورش بردگان است؛ بمعنای دفاع از انقلاب و کمونیسم است.

صدر گونزالو متهم به خیانت گشته، اما این دولت پرو است که به کشور خیانت کرده و کاملاً گوش به فرمان اربابان یانکی خویش است.

صدر گونزالو متهم به ۲۷ هزار فقره قتل گشته، اما این نیروهای مسلح پرو هستند که اکثریت عظیم این افراد را کشتار کرده اند. قتل عام دهقانان و کارگران غیر مسلح و دفن آنها در گورهای دستجمعی که در سطح بین المللی افشاء گشته، بخشی از جنایات آنهاست.

صدر گونزالو متهم به «قاچاق مواد مخدر» گشته، در حالیکه طبق اسناد موثق این ارتش و دولت پرو هستند که از پائین تا بالاترین سطح، سراپا آلوده به تولید و قاچاق مواد مخدرند.

صدر گونزالو متهم به «تروریسم» گشته، اما این دولت پرو است که با خونردی صدها زندانی سیاسی را بسال ۱۹۸۶ در جریان کشتار رسوای «ال فرونتون» بقتل رساند و در ماه مه امسال نیز ۴۰ زن و مرد غیر مسلح را در زندان «کانتو گراند» کشتار کرد.

صدر گونزالو متهم به اخلال در اقتصاد ملی گشته، اما این فوجیموری بیشرم است که

دفاع از جان رفیق گونزالو فرامی خوانیم. این نبردی است در دفاع از آرمانهای انقلابی و از هویت و شرافت و آمال توده های محروم در مقابل ستم ها و جنایات و تحقیرهایی که نظام امپریالیستی اعمال میکند. این نبردی است برای تبدیل تعرض دشمنان خلق به ضد خود؛ نبردی که جبهه انقلاب میتواند و باید در آن پیروز شود.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

شهریور ماه ۱۳۷۱

بنا بر فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، طرح بدنام «فوجی شوک» را سازمان داد، گرسنگی توده های فقیر را تشدید کرد و شرایط برای اشاعه مرض وبا را فراهم نمود.

صلابت و طراوت انقلابی خط آیدئولوژیک و سیاسی رفیق گونزالو از ریشه های عمیقی که در میان کارگران و دهقانان و روشنفکران پرو دوانده، از پیشرفتهای مهم نظامی جنگ خلق، از دولت جنبینی نوین پرولتری، از شاخه های نخستین سر برآورده بر درخت جامعه نوین در مناطق پایگاهی، و از نفوذ فزاینده در زاغه های حومه لیما آشکار است.

ما باید برای برسمیت شناساندن مقام صدر گونزالو بعنوان رهبر دولت نوین در حال ظهور، خلق پرو نبرد کنیم. باید خواست احترام به عهدنامه های بین المللی مربوط به نحوه رفتار با اسرای جنگی و زندانیان سیاسی را جلو بگذاریم. باید به تمامی ستمدیدگان و استثمار شدگان، تمامی مخالفان امپریالیسم و ارتجاع، کمک کنیم که اهمیت و ارزش و اضطراب این نبرد را دریابند. باید سلاح حقیقت را در کف توده ها قرار دهیم.

به آنها اجازه نخواهیم داد که این رهبر گرانبها و سازش ناپذیر کمونیست را از میان بردارند.

زمین و زمان را در دفاع از جان صدر گونزالو بهم بریزید!

ما به رفیق گونزالو در جایگاهی که صف مقدم انقلاب پرو و جنبش بین المللی کمونیستی است، نیاز داریم! برای آزادی نبرد کنید!

کمیته

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

۱۵ سپتامبر ۱۹۹۲

آدرس

جنبش انقلابی

انترناسیونالیستی

BCM RIM  
LONDON WC1N 3XX  
U. K.

دستگیری صدر گونزالو، رهبر حزب و انقلاب، بخشی از يك نقشه برای کشتار عظیم خلق است. مرتجعین با این دستگیری خواب نابودی انقلاب را می بینند. آنها نمی فهمند که هر چه بیشتر خوتریزی برآه اندازند به نابودی خویش نزدیکتر خواهند شد. خواستار آنیم که حکومت فوجیموری جلاد، سلامت و جان صدر گونزالو را محترم شمرد. حزب کمونیست پرو تمامی کسانی که جرئت کنند با دستان کثیف خود به صدر گونزالو تعرض نمایند را آنچنان مجازات خواهد کرد که در تاریخ بنویسند.

زنده باد صدر گونزالو، رهبر حزب و انقلاب!

زنده باد حزب کمونیست پرو!

زنده باد جنگ خلق!

ما جان خود را فدای حزب و انقلاب خواهیم کرد!

حزب کمونیست پرو، اعضای حزب در لیما - سپتامبر ۱۹۹۲

از جان  
صدر گونزالو  
دفاع کنید!  
اعلامیه ای از حزب کمونیست پرو

## «انقلاب به پیشروی ادامه می دهد»

گزیده هائی از سند «کسب قدرت سیاسی را در جریان جنگ خلق سازمان دهید!»

حزب کمونیست پرو، فوریه ۱۹۹۱

مسئله و انجام وظایفمان هستیم. زاری و نفرین به درد ما نمی خورد، بلکه باید بواقعیت عینی نگاه کنیم تا علت اصلی وقایع را یافته، راه حل ها را تدوین کرده و مسئولیتهايمان را بدوش کشیم؛ با عزم راسخ جهت دگرگون ساختن اوضاع.

حزب هیچگاه نمی تواند فلج شود زیرا در مورد مسیری که باید دنبال کند روشن است، حزب متحد است. ما بر تمرکز استراتژیک و عدم تمرکز تاکتیکی تاکید می گذاریم. چنین حزبی که بدین شیوه متحد شده است قدرتمند است؛ انقلاب را نمیتوان متوقف کرد.

صدر مائو به ما می آموزد: «کشته هایمان را بدوش می کشیم، زخمهایمان را می بندیم و به نبرد ادامه میدهم.»

جنبه مثبت را از يك اوضاع منفی بیرون بکشید - همیشه اینگونه است زیرا قانون تضاد، جهانشمول می باشد. باشد تا شکل های نوین فعالیت را تدوین کنیم و در مورد سوالات اصلی مربوط به تشکیلات سازی به بحث بنشینیم. بگذارید چنان ساختارهای سازماندهی را بوجود آوریم که برتر از ساختارهای دشمن باشد. بگذارید تا بطور گسترده و در مقیاسی عظیم با توده ها در آمیزیم. بدون پشتوانه دریای مسلح توده ها نمیتوانیم قدرت سیاسی را کسب کنیم یا از آن به دفاع برخیزیم. باشد تا اذهان و دستان توده ها را مسلح کنیم. يك میلیون شاخه جدا از هم شکننده است، اما صد هزار نفر که توسط حزب متحد شده اند را نمیتوان در هم شکست. نگذارید آنچه را که تا کنون بدست آورده ایم پس بگیرند. با دشمن و ایده های پوسیده اش بجنگید. در مورد قهر انقلابی، ایدئولوژی پرولتاریا، مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم - اندیشه گونزالو آموزش یابید تا قوانین حاکم بر کائنات را فهمیده و آن را در دگرگونی جهان بکار بسته و آینده را به چنگ آورید. آموزش خود را از طریق تاکتیک پایه ای مارکسیستی، یعنی آبدیده شدن فرد در جریان قهر انقلابی و نبرد بیرحمانه علیه امپریالیسم و رویزیونیسم، به پیش برید و به خود اجازه کنار کشیدن از راهمان را ندهید.

به علت خصلت توده ای جنگ خلق، ارتجاع در پی نابودی این جنگ و حزب است. ما در مرحله ای انتقالی بسر می بریم. این دشوارترین دوره بوده و نقطه عطف کل پروسه جنگ در آن مشخص خواهد شد. دشمن می کوشد نظام خود را با بازپس گرفتن مواضع از دست رفته اش حفظ کند. ما می کوشیم از طریق سازماندهی برای کسب قدرت، تعرض استراتژیک را تدارک ببینیم.

ارتجاع باید جنگ خلق و حزب را نابود سازد و ما باید کسب قدرت سیاسی را سازمان دهیم. این وظیفه هم بر دوش خلق است و هم حزب. جنگ ضد خرابکارانه آنها از منطقی پیروی می کند که در قوانین شان ثبت گشته است: هیچ اسیری نگیرید. اگر آنها ما را نابود بقیه در صفحه ۶

هر تکاملی به عدم تعادل یا میدهد. باید طریق حل عدم تعادل را فراگیریم. منظورمان از حل آن چیست؟ شناخت از قوانین آن؛ فهم قوانین حاکم بر پروسه - خواه ساده، خواه پیچیده. و بکاربست این قوانین در تغییر جهان بر اساس منافع پرولتاریا و خلق؛ در خدمت به انقلاب.

پروسه سازماندهی انقلاب عدم تعادل عمیق را به همراه خواهد آورد. دشواریها و توفانها در کار خواهد بود. همه اینها ما را آبدیده خواهد کرد - تلاطم و مشکلات. آرامش هرگز.

در مواقع دشوار باید دستاوردهایمان را بخاطر آوریم و شجاعتر باشیم. امروز انقلاب تحت حمله امپریالیسم و نوکرائش قرار دارد. شرایط مقابل پای ما هیچ چیز نیست مگر تبارزی از عدم تعادل. ما همواره باید برای مواجهه با پیچیده ترین مسائل آماده باشیم. ما باید حتی برای شکستها آماده باشیم.

کسی که نمیداند در جنگ هم پیروزی هست و هم شکست، هیچ چیز از جنگ نمیداند. بعد از چند شکست و چند پیروزی، درک بهتری از قوانین انقلاب بدست می آوریم. اوضاع جاری بخشی از شرایط دشوارتری است که با آن مواجه خواهیم شد. این بخشی از عدم تعادل است و گواهی است روشن از مسئولیت ما.

حزب چگونگی بوجود آوردن رهبران را فهمیده است. ما تربیت شده ایم. ما مرعوب خطرات نمی شویم. خطرات نمی تواند ما را از پیشروی باز دارد. درست همین حالا ما بار دیگر به بوته آزمایش گذاشته شده ایم! این بخشی از پروسه انقلاب است و ما میدانیم چگونه آن را حل کنیم. ما توانایی فائق آمدن بر این مشکلات را داریم زیرا نیرویی نوین هستیم که آینده ای درخشان دارد.

ما بطور جمعی، پشت به پشت هم و با قدرتی که از ایدئولوژیمان نشئت گرفته با این مبارزه مواجه می شویم. ما پیشروترین بخش طبقه - پیشاهنگ پرولتاریا - هستیم. ما به مسئولیت خود جهت دست یابی به اهدافمان آگاهییم و آماده هر نوع فداکاری که انقلاب از ما طلب کند هستیم. ما بواسطه ایدئولوژی خود نه فقط توان حل این مسائل را داریم بلکه حتی قادریم از هر اوضاعی برای تغییر امر بد به امر خوب بیشترین استفاده را بکنیم.

اگر بطور جمعی عمل کنیم قوی تر خواهیم بود. اتحاد ما را شکست ناپذیر می سازد. ما نه فقط در میدانهای عظیم نبرد که در زندگی روزمره آبدیده گشته ایم.

هر آنچه که حزب احتیاج داشته باشد یا طلب کند می باید به انجام رسد و آن را به انجام می رسانیم. ارتجاع می خواهد برای نابود کردن حزب و داغان کردن انقلاب، رهبری ما را نابود کند. ما باید همواره و تحت هر شرایطی استحکام بیشتری بدست آوریم. با هر خطری با استواری و عزم مقابله می کنیم. مطمئنیم که قادر به حل

## انقلاب ...

نکنند، ما نابودشان خواهیم ساخت.

مسئله اصلی این است که بر تلاشهای خودمان متکی باشیم و قدرت سیاسی را در خدمت به پیشرفت انقلاب جهانی کسب کنیم. بگذار تا بذرها را علیه امپریالیسم بیفشانیم. باشد تا اعمال ما در ذهن توده ها پژواک یابد، آنها را بلحاظ سیاسی تربیت کند تا بتوانند آگاهانه سرنوشت خویش را بدست گیرند. توده ها را آموزش دهید، ایده هایی که از طریق فعالیتهایمان آفشانده ایم را بدین طریق متحقق سازید. رفتن به میان توده ها و عمل کردن بهمراه آنها، تعیین کننده است. ما بر ایدئولوژی خود متکی هستیم و اسلحه، عمده نیست، بگذارید که ایده ها دستها را مسلح کنند. ایدئولوژی ما سلاحی است که پیروزی را به ارمغان خواهد آورد. این را از آموزگاران کبیر مارکسیسم آموخته ایم.

باشد که ابتکار عمل را در مواجهه با کارزارهای محاصره و سرکوب حفظ کرده و نقشه های سیاسی و نظامی خود را پیاده کنیم. همه این کارها را چه کسی رهبری خواهد کرد؟ حزب. پشتیبان همه اینها که خواهد بود؟ توده ها. بگذارید از طریق گسترش انقلاب پرولتری با نظامهای پوسیده بورژوازی که افسارشان بدست پول است مقابله کنیم. اینکه ما از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی به حداکثر محکم باشیم و بنابراین در هر سطحی آمادگی داشته باشیم، از اهمیتی فوق العاده برخوردار است.

می دانیم بدنبال چه هستیم و برای چه می جنگیم. ما اهداف حزب را متحقق خواهیم ساخت و به خلق و پرولتاریا و انقلاب جهانی خدمت می کنیم.

هر انقلابی باید از دل موفقیتهای و عقبگردهای پیشروی کند. همانگونه که انقلاب تکامل می یابد، ضد انقلاب نیز درسهای خود را استخراج می کند. از امپریالیسم هراسی به دل راه ندهید، در هر جبهه ای اعم از ایدئولوژیک تا نظامی آماده باشید. آبدیده تر از قبل، با تجربه تر از پیش آنچه را که از دست داده اید دوباره به کف آورید. این فقط شکستی قسمی و نسبی است باشد تا قاطعانه استراتژی خود را به پیش برده و بطور انعطاف پذیر آنرا بر طبق شرایط مشخص بکار بندیم.

عملیات ضد انقلابی امپریالیسم به عملیات ضد امپریالیستی پرولتاریای جهانی و خلقهای جهان پا میدهد. باشد تا خط ایدئولوژیک و سیاسی صحیح و برحق را تدوین کنیم. نقشه ما مبنی بر گسترش، ساختمان و کسب قدرت سیاسی را عملی سازید! باشد تا تمامی کمیته ها و سازمانها را در بحبوحه نبرد بیرحمانه علیه دشمن گسترش دهیم. باشد تا طرح ها، نقشه ها و سیاستهای ارتجاعی دشمن را در هم شکنیم. بگذارید کهنه را خراب کنیم و نو را بسازیم - انقلاب را علیه ضد انقلاب به پیش بریم. بگذارید تا تعرضات خود را منطبق بر شرایط مشخص انجام دهیم. ما باید در پی انجام کامل آنها باشیم و هرگز خود را با سطحی نگری راضی نکنیم. ما باید آگاهانه و بطور بسیار عمیق تمام عناصر پایه ای خط سیاسی خود را به میان توده ها ببریم. باشد تا هرگز درک ارزانی از مارکسیسم ارائه ندهیم. توده ها با چند حرف جسته و گریخته نمی توانند آموزش یابند. ما باید مراقب ارتقاء مداوم سطح سیاسی حزب، همه سازمانهای تحت رهبری حزب، و نیز توده ها باشیم. ما باید برای کسب قدرت سیاسی در افکار عمومی بذرافشانی کنیم! مدارک حزب را در دسترس عامه قرار دهید. کاری کنیم که هر عضو حزب یک نسخه از تمامی این مدارک را داشته باشد - برای تکثیر مجدد آنها بی آنکه مجبور به تغییرشان باشیم راههایی وجود دارد. میتوان از آنها فتوکپی گرفت یا حتی نسخه دست نویس تهیه کرد. باید یک نسخه از همه انتشارات خود را به دوستان یا سایر افرادی که ممکن است در مورد این مدارک بحث کنند بدهید. فرستادن اسناد حزب به همه رسانه های خبری بهیچوجه کار بیهوده ای نیست.

مدارس کادرها را تشکیل دهید. فراموش نکنید که کادرها در دل مبارزات طبقاتی و جنگ خلق پرورش یابند. هیچگاه از آنها جدا نیفتید. یاد بگیرید میان کارزارهای اصلاحی، گزارش دهی به پایین و تربیت سیاسی افراد جدید، و بین بخش میانه و بخش پیشرو فرق بگذارید. یک کارزار اصلاحی (که شکلی از مبارزه تکامل یابنده دو خط

است) با مدارس عادی فعالین جدید که تازه با خط حزب آشنا می شوند فرق دارد. هر دوی اینها مهم هستند اما متفاوت بوده و باید بگونه ای منضبط به پیش برده شوند. نقشه هایی را برای مطالعه، کنفرانس و مباحثه در مدارس خلقی بر مبنای اصول حزب برای وحدت تدوین کنید.

گزارشات باید روشن و کاملاً مستند بوده و بر نکته عمده تاکید داشته باشند. همه نکات باید به بحث گذاشته شوند - بگذارید بدنه حزب عقایدش را مطرح کند، به طرح سوالات بپردازد و به مشاجره برخیزد. بدون «برخورد میان گرایشها» نمیتوان یک گروه محکم را گرد هم آورد. ما بر این اصل مائوئیستی اصرار داریم که خط ایدئولوژیک و سیاسی تعیین کننده است. ما این اصل را قاطعانه بکار می بندیم زیرا کسب قدرت سیاسی را پی می ریزیم و همواره باید از این زاویه به امور نگاه کنیم. همواره سیاست را در مقام فرماندهی قرار دهید. بدین ترتیب می توانیم هر مشکلی که با آن مواجه شویم - حتی پیچیده ترین مشکلات - را حل کنیم.

خودخواهی منبع رویزیونیسم است؛ آنرا ریشه کن کنید. بگذارید ایدئولوژی ما در سیاستهایمان شکل مشخص پیدا کند و از مبارزه طبقاتی جدا نشود بلکه بمثابة خط راهنمای ما در آید. بعلاوه بگذارید ایدئولوژی ما اشکال مشخص تشکیلاتی بخود گرفته و انواع نوین سازمان، خلق گردد.

هدف از یک کارزار اصلاحی، متحد شدن، خط تمایز روشن کشیدن و رهبری کردن است. همواره اصول حزب برای وحدت را بیاد داشته باشید. بر مدارک حزبی احاطه یابید و از تفسیرهای دلخواه و مطالعه اسناد بیجا پرهیز کنید. در کلیه کارهایمان، تمرکز استراتژیک و عدم تمرکز تاکتیکی را بکار بندید. مبارزه مسلحانه را در تقابل با مطالعه قرار ندهید - این خطی راست روانه بوده و زمینه را برای رویزیونیسم مهیا می سازد.

کار مرکزی ما جنگ است و پایه ما پرولتاریا و خلق. راه ما جنگ خلق است. هدف ما ایجاد جمهوری خلق پرو است. ایدئولوژی ما مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم - اندیشه گونزالو است. هدف نهائی ما انقلاب پرولتری و کمونیسم است. محور هر چیز حزب کمونیست پرو، رهبری آن و مقرهای فرماندهی حزب است.

ما خواهان یک جهتگیری پیگیر و صحیح سیاسی، یک سبک کار سرزنده و سرسخت، انعطاف پذیری در استراتژی و عمل هستیم. اتحاد، انرژی و تحرک، جدیت و طراوت، علیه بهتانها و تحریفات دشمن مبارزه کنید. ارتجاع و حکومتهای هرگز نمی توانند بطور واقعی نیازهای خلق را پاسخ گویند زیرا این نیازها علیه منافع و سودهای آنهاست. طرح های صدقه که از سوی چپ فرمیسیم و کلیسای کاتولیک ارائه می شود را بدون «کمک» امپریالیستی نمیتوان پیاده کرد. این طرح ها یک بخش اساسی از جنگ ضد خرابکاری آنهاست. ما در مخالفت با دمکراسی پوسیده بورژوازی که چیزی جز دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی نیست به استفاده از قهر انقلابی نیاز داریم تا بتوانیم یک دولت نوین، یک جامعه نوین و یک دمکراسی نوین را خلق کنیم.

راه پرپیچ و خم است اما آینده درخشان. بنابراین ما باید کسب قدرت و حفاظت از آن را جرات کنیم. نکته عمده در جنگ، خلق است. باشد تا سرنوشتمان را بدست گیریم! ساختمان سیاسی و ایدئولوژیک را بمثابة اساس به پیش برید و همزمان تشکیلات را هم بسازید و همه اینها را در بحبوحه مبارزه دو خط و جنگ خلق به انجام رسانید. ما باید دستگاههای تشکیلاتی برتری نسبت به دشمن بسازیم - دستگاههایی فعال تر، فوق العاده سیاسی تر و دارای کارکنانی آبدیده. باشد تا هر عضو حزب همانند خود حزب یک سنگر قدرتمند گردد. ساختن از طریق بکار بست اصول مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم - اندیشه گونزالو که راهنمای ماست به پیش می رود. اما شکل مشخصی که این کار بخود میگیرد به تکامل انقلاب بستگی دارد. در مورد تبلیغ و ترویج افکار عمومی را برای کسب قدرت سیاسی در پرو و جهان خلق کنید. کار توده ایمان را گسترش دهید. همه اشکال مبارزاتی را بکار گیرید و به اشکالی نوین دست یابید. عملیات مهم و مسئله سازترین عملیات ها را برای درسگیری مطالعه کنید. برای مطالعه، ابزار و اجرای خط انقلابی حزب تلاش کنید ■

## اهمیت کارزار کنونی و دورنمای نبرد

است پیچیده و دشوار؛ اما میتوان از آن پیروز بدر آمد. مصالح عینی و ذهنی موجود برای کسب پیروزی بدین قرار است:

۱ - همانگونه که حزب کمونیست پرو میگوید، عملیات ضد انقلابی امپریالیسم به عملیات ضد امپریالیستی پرولتاریای جهانی و خلقهای جهان پا می دهد. تشدید تضادهای ملی و طبقاتی و قلدریهای امپریالیسم آمریکا به خلقها نشان داده که هیچ نفعی در «نظم نوین جهانی» ندارند. در چنین شرایطی انقلاب پرو با صلابت و استواری خود را بمشابه سنگر قابل اتکاء کلیه ستمدیدگان جهان مطرح میسازد. این اوضاع زمینه محکم و بالقوه ای را برای اتحاد توده های ضد امپریالیست در سراسر جهان با جنگ خلق در پرو ایجاد کرده است. برپائی امواج قدرتمند مبارزاتی در سطح جهانی علیه رژیم فوجیموری که مستقیماً تحت حمایت و هدایت امپریالیسم یانکی قرار دارد، جلوه ای از همین واقعیت است. دستگیری رفیق گونزالو و برخورد سازش ناپذیرش در اسارت، نقش مهمی در بالفعل کردن این همبستگی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی داشت. ایستادگی و موضع تعرضی رفیق گونزالو این غرور و احساس را به ستمدیدگان القاء نمود که می توان در دشوارترین شرایط نیز پوزه دشمنان را بخاک مالید. ستمدیدگان جهان به عینه هراس دشمن از رفیق گونزالو را حتی در پشت میله های زندان دیدند. آنها دیدند که چگونه رسانه های گروهی هزاران تهمت و افترا را به رفیق گونزالو بسته و همچون عنکبوتی تارهای دروغ تنیدند اما جرئت پخش هفت دقیقه سخنرانی او را نداشتند؛ بی شرمانه توطئه سکوت در مورد کارزار جهانی دفاع از جان رفیق گونزالو را به پیش بردند، کارزاری که بحق عمیق ترین احساسات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در بین بخشهای مختلف مردم جهان را منعکس ساخته است.

یک مولفه مهم این کارزار، مبارزاتی است که در کشور پرو براه افتاده و برجسته ترین آن اعتصاب مسلحانه در آیاکوچو است. بعلاوه در سراسر پرو در فاصله کوتاهی پس از دستگیری صدر گونزالو ۲ میلیون تراکت با شعار «نبرد برای دفاع از جان صدر گونزالو» پخش شد و شعارهای بشمارای بر دیوارها نقش بست. تابحال یک مقام عالیرتبه سازمان امنیت و دهها مامور امنیتی توسط رزمندگان ارتش چریکی خلق ترور شده اند. بنا به اعتراف تحلیلگران امپریالیسم، پس از نمایشات تلویزیونی، حزب کمونیست پرو پایه بیشتری در شهرها - بویژه لیما - کسب نموده است.

لنینیستی - مائوئیستی به طبقه کارگر و توده هاست. او محصول چند دهه مبارزه طبقاتی در سطح ملی و بین المللی و فشرده بیکارهای خلق و پرولتاریای پرو و حزب پیشاهنگ آن است. همانطور که لنین میگوید چنین رهبرانی صد تا صد تا بدنیای نمی آیند و سالهای زیادی لازمست تا چنین رهبرانی پرورش یابند. گونزالو از رهبرانی است که در سخت ترین شرایط، یعنی بعد از سرنگونی دولت پرولتاریا در چین و از دست رفتن این پایگاه انقلاب جهانی، پرچم مائوئیسم را برافراشت و راه رهائی را در تئوری و عمل نشان داد. حمله دشمن به این رهبری، حمله مستقیم به حزب پیشاهنگ به پرولتاریا و خلق محسوب می شود. دفاع از صدر گونزالو دفاع از یک رهبری کمونیستی است و تأکیدی بر نیاز حیاتی توده ها به داشتن چنین رهبران سازش ناپذیری.

۴ - طی ۱۲ سال، جنگ خلق در پرو لبه تیز انقلاب جهانی پرولتری بوده و روز به روز حمایت توده ای بیشتری را در سطح بین المللی کسب نموده است. پیشروی موج وار این جنگ عامل عینی قدرتمندی در سطح جهانی محسوب شده و تأثیرات ایدئولوژیک - سیاسی بلاواسطه ای از خود بجای گذاشته است. بویژه با به حاشیه رانده شدن، شکست خوردن یا تسلیم شدن بسیاری از جنبشهای رهاثیبخش، پیشرویهای جنگ خلق و رسیدن به مرحله تعادل استراتژیک و آماده شدن برای کسب سراسری قدرت سیاسی هر چه بیشتر نگاهها را به سمت پرو و حزب کمونیست پرو و مائوئیسم برگردانده است. گسترش این جنگ باعث شده که امپریالیسم یانکی برای مهار کردن انقلاب، بر مداخلات نظامی و غیر نظامی خود در پرو بیفزاید. بسیاری از توده های ستمدیده و ضد امپریالیست در سراسر جهان با شعار «یانکی گو هوم» به پشتیبانی از جنگ خلق در پرو پرداخته اند. با دستگیری رهبر این جنگ، امر دفاع از جنگ خلق پرو با دفاع از جان و نبرد برای رهائی صدر گونزالو گره خورده است.

\*\*\*\*\*

امروز صف متحدی توسط کلیه امپریالیستها و مرتجعین در مقابل جنگ خلق، حزب کمونیست پرو و مشخصاً صدر گونزالو تشکیل شده است. دشمنان انقلاب با حمله به پیشرفته ترین انقلاب در جهان می کوشند به مردم بقبولانند که هیچ شورشی، حتی آگاهانه ترین و سازمان یافته ترین آن نیز در مقابل «نظم نوین جهانی» آنها قادر به ایستادگی نیست. نتیجه اینکه، دشمن بدست خود به نبردی پا داده که کانون جدال میان انقلاب و ضد انقلاب در سطح جهانی گشته است. این نبردی

ربوده شدن صدر حزب کمونیست پرو توسط دشمن مضافی را مقابل پای پرولتاریای بین المللی - مشخصاً جنبش انقلابی انترناسیونالیستی - قرار داد. پاسخ طبقه جهانی ما، برپاساختن کارزار دفاع از جان صدر گونزالو بود. این کارزار به دلایل زیر از جایگاهی ویژه برخوردار است:

۱ - انقلاب پرو، پیشرفته ترین سنگر انقلاب پرولتری در سطح جهان است. در پی پیشروی های عظیم جنگ خلق و شکل گیری ارتش چریکی خلق، دولت انقلابی و جامعه نوینی در پرو در حال ظهور است. کارزار حاضر تبلور مضاف این دنیای نوین با دنیای کهن موجود است. وظیفه انترناسیونالیستی پرولتاریای بین المللی است که به یاری این سنگر قدرتمند و نیروی رهبری کننده اش یعنی حزب کمونیست پرو که با شرایط دشواری روبرو گشته، بشتابد. همبستگی انترناسیونالیستی کارگران و خلقهای ستمدیده جهان نقش مهمی در پشتگرمی پرولتاریا و خلق پرو داشته و بیان اتحاد خلقها در مبارزه علیه دشمنان مشترک می باشد.

۲ - پرچم انقلاب کمونیستی رفیعتر از هر جای دیگر در پرو برافراشته است. دوره مهمی از تاریخچه جنبش بین المللی کمونیستی با جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو مشخص گشته است. بورژوازی بین المللی تلاش می کند از ضربه وارده بر حزب کمونیست پرو بسود کارزار ضد کمونیستی خود استفاده کند. آنها حزب کمونیست پرو و رهبریش را کانون حمله خود به کمونیسم قرار داده اند و به این موضوع نه فقط در محدوده پرو بلکه در بعدی جهانی می نگرند. امپریالیستها، حیات و ریشه دواندن کمونیسم را از نابودی ذره ذره ماشین دولتی ساخته و پرداخته خود در پرو احساس می کنند. بی دلیل نیست که بدنبال اسارت رفیق گونزالو هیاهوی ضد کمونیستی براه انداخته و میگویند «خطرناکترین فرد روی زمین» و «بزرگترین مارکیست زمانه و کسی که در پی استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بود» دستگیر شده است. این عبارات خود نشان میدهد که رفیق گونزالو مظهر پایداری و طراوت کمونیسم انقلابی در مقابل عوامفریبی های بورژوازی بین المللی مبنی بر «مرگ کمونیسم» می باشد. جهانیان می بینند که او در پشت میله های زندان نیز به دفاعی پر شور و شجاعانه پرداخته است. برای دفاع از کمونیسم انقلابی، دفاع از جان رفیق گونزالو امری ضروری است.

۳ - صدر گونزالو رهبر به رسمیت شناخته شده انقلاب پرو و معرف خط مارکیستی -

## اهمیت کارزار ...

مبارزه ای که در سطح بین المللی نیز برافزاده تاکنون تاثیر مهمی بر افکار عمومی داشته و تشدید و گسترش آن می تواند بسیاری از نقشه های دشمن را افشاء نموده و مانع انجامش شود. وحشت رژیم فوجیموری از هیستهای بین المللی اعزام شده به پرو نشانه نقاط ضعفش در این زمینه می باشد. در تاریخ مبارزات خلقها نمونه های پیروزمندی در دفاع از زندانیان سیاسی را شاهد بوده ایم. رفع خطر فوری از جان زندانیان سیاسی مشهور همواره فرصتی را فراهم می آورد که تحت شرایط معین و تاثیر فاکتورهای ملی و بین المللی رهانشان میسر گردد.

۲ - رژیم پرو با محدودیتهائی روبروست که نمی تواند هر آنچه را که می خواهد عملی سازد. تمامی امپریالیستها در همان روزهای اولیه دستگیری صدر گونزالو بارها بر این مسئله تاکید نهادند که هنوز هیچ مسئله ای حل نشده و کل جامعه در بحران و خیمی بسر می برد. برخی از آنها هشدار دادند که قتل گونزالو می تواند تاثیرات آبی بجای گذارد؛ مبارزات قهرآمیز توسط ارتش چریکی خلق را شدت بخشد؛ به رژیم ناتوان فوجیموری ضربات جدی وارد آید و موجب از هم پاشیدگی بیشتر ساختار دولت کهن گردد. اینکه برخلاف خواست برخی از صاحب نظران جنگ ضد چریکی، گونزالو را در همان لحظه دستگیری نکشند حاکی از توجه آنان به این موضوع هم هست.

۳ - محدودیت دیگر رژیم فوجیموری افرادش در میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه پرو است. اگر چه تمامی سردمداران اپوزیسیون حکومتی خوشحالی خود را از دستگیری رفیق گونزالو ابراز داشتند، اما خوب میدانستند که فوجیموری از این پیروزی



تظاهرات در يك محله فقير نشين آمريكا

و اعلام حکم و مجازات رفیق گونزالو حفظ شود.

\*\*\*\*\*

کارزار بین المللی دفاع از جان صدر گونزالو پیشرفت محسوسی داشته و گام های ارزشمندی برداشته اما کماکان به پیروزی مهمی که يك دوره از این نبرد را رقم زند، دست نیافته است. در فضای دسیسه و جنایتی که رژیم فوجیموری آفریده، احتمال قتل رهبر انقلاب پرو قویا وجود دارد؛ این مسئله به کارزار جاری خصلتی اضطراری می بخشد.

اتحاد گسترده حول دفاع از جان و رهائی صدر گونزالو يك ضرورت پیش پای برای در هم شکستن سد انفرادی است که دشمن می خواهد بدور وی بکشد. اوضاع جاری بگونه ای است که امکان متحد ساختن طیف وسیعی از نیروهای سیاسی و بخشهای مختلف مردم در يك جبهه متحد بین المللی بدور این موضوع، موجود است. برای کسب موفقیت باید نیروهای گوناگون و تمامی امکانات را در خدمت به هدف مرکزی این کارزار بکار گرفت. دشمنان انقلاب سنک بزرگی را بلند کرده اند، اما تغییر شرایط نامساعد و کسب پیروزی در این مبارزه امسکان پذیر بوده و می توان مانع از اجرای نقشه های جنایتکارانه دشمن شد. میتوان سنک بزرگی را که دشمن بلند کرده از طریق نبرد روی پای خودش انداخت. تضمین جان و سلامت رفیق گونزالو، نخستین پیروزی ما در نبردی خواهد بود که باید تا رهائی کامل او به پیش رود. پیشرفت و دستاوردهای این مبارزه و پیروزی در آن، نقش مهمی در پیشرفت پیکار عمومی پرولتاریای بین المللی و تقویت و تحکیم جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در سراسر جهان خواهد داشت. ■

برای قبضه کردن هر چه بیشتر قدرت سود خواهد جست. این چیزی است که رقبای وی بهیچوجه خواهانش نیستند. بهمین علت بود که کمی بعد از دستگیری گونزالو اعلام نمودند که هنوز کودتای فوجیموری را فراموش نکرده اند. رژیم فوجیموری در تغییر قانون اساسی - منجمله برقراری مجدد مجازات مرگ - با مخالفتهای معینی روبروست. حتی برخی از قدرتهای امپریالیستی لحن انتقادی نسبت به رژیم فوجیموری گرفته و صحبت از ارائه آلترناتیو های دیگر میکنند. هر چند تمامی امپریالیستها تلاش کردند که اتحاد عملشان با رژیم فوجیموری در رابطه با برگزاری دادگاه



تظاهرات در آلمان



# کارزار بین المللی برای دفاع از جان دکتر آبیمال گوسمان

این متنی است که از طرف «کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان دکتر آبیمال گوسمان» بعنوان گزارش مختصر این کارزار تا کنون، منتشر گشته است.

\*\*\*\*\*

«جامعه بین المللی باید قویا در قبال این مسئله عکس العمل نشان دهد؛ زیرا دهها سال است که با چنین چیزی روبرو نشده ایم ... یک زندانی را در قفس بنمایش می گذارند، محاکمه مخفی سریعی را برگزار می کنند، رئیس جمهور حکم را قبل از شروع محاکمه اعلام می کند. اینها بوضوح نشانه ای از اوضاع کنونی پرو است.» - لئونارد واین گلاس وکیل مدافع زندانیان سیاسی در آمریکا و عضو هیئت بین المللی وکلا برای نظارت بر محاکمه آبیمال گوسمان، لیما، پرو

## دستگیری

لیما، ۱۲ سپتامبر: دهها نفر از افراد مسلح پلیس ضد چریکی پرو (دینکوت) به آپارتمانی هجوم برده و مردی را دستگیر کردند که مطبوعات به او لقب «دشمن شماره یک جهان» دادند: دکتر آبیمال گوسمان، مشهور به صدر گونزالو رهبر حزب کمونیست پرو.

کمتر از دو هفته بعد رژیم پرو دکتر گوسمان را در یک قفس آهنین در برابر رسانه های جهان قرار داد تا «اسطوره شکست ناپذیری او را محو سازد.» دکتر گوسمان با دفاع استوار و شجاعانه خود از اصول جنگی انقلابی که وی طی دهه گذشته رهبری کرده است رژیم را میخکوب کرد.

رژیم فوجیموری با کمک سازمانهای مطبوعاتی قدرتمند بین المللی کارزاری از دروغ و بهتان را علیه دکتر گوسمان براه انداخت تا افکار عمومی را برای اعدام قانونی یا «فوق قانونی» وی آماده سازد. سنای آمریکا قطعنامه ای در ستایش فوجیموری بخاطر دستگیری دکتر گوسمان تصویب کرد و وزارت خارجه ایالات متحده در مورد شرایط رسوای محاکمه و اسارت وی اعلام داشت «هیچ نظری ندارد» بدینترتیب ایالات متحده که در پرو و کل آمریکای لاتین منافع عمیق اقتصادی و سیاسی دارد و ماشین بدنام ضد چریکی در دستگیری دکتر گوسمان دخیل بوده، به پشتیبانی کامل از دیکتاتوری فوجیموری می پردازد.

این در حالیکه سازمان ملل حکومت پرو را در رأس فهرست ناقضین حقوق بشر در

جهان قرار داده است. سازمان آمریکائی مراقبت از حقوق بشر در کتاب جدیدی بنام «پرو زیر آتش» می گوید که طی دهسال اخیر ارتش ۲۳ هزار نفر را کشته و ۲۰۰ هزار دهقان را مجبور به ترک روستاها و سکنی در زاغه های اطراف لیما و دیگر شهرها کرده است. ژنرال پرونی «سیسنه روس» توضیح می دهد که «برای کشتن یک چریک، قتل ده دهقان ضروریست.» رژیم پرو نه فقط به خاطر «ناپدیدشدگان» بلکه برای کشتار تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی رسوا گشته است. (در سال ۱۹۸۶، ۳۰۰ نفر در زندان «ال فرونتون» به قتل رسیدند و در ماه مه گذشته ۴۰ زن و مرد در زندان «کانتوگرانده» کشتار شدند.)

مقالاتی که در مطبوعات انتشار یافته بهانه های احتمالی گوناگونی که می تواند برای انجام اعدام «فوق قانونی» دکتر گوسمان مورد استفاده قرار گیرد را ردیف کرده است. برای نمونه مجله اکونومیست چاپ لندن به تاریخ ۱۹ سپتامبر به رژیم فوجیموری توصیه کرد که می توان آبیمال گوسمان را به بهانه «خودکشی»، «اقدام بفرار»، «بیماری شدید» یا «عدم دسترسی به داروی ضروری روزانه اش» از میان برداشت.

## قضات نقابدار

کمی بعد، دکتر گوسمان در یک دادگاه مخفی نظامی در جزیره ای که پایگاه نیروی دریائی است و در نزدیکی زندان «ال فرونتون» قرار دارد محاکمه شد. قضات بسیاق ماموران تفتیش عقاید اسپانیا نقاب سیاه بر چهره داشتند. آنها در واقع همان ژنرالهایی بودند که «کشیف ترین» جنگ جهان را به پیش می بردند. هیچکس بجز ارتشیان، دکتر گوسمان و وکیلش آلفردو کرسپو حق حضور در دادگاه نداشت. همانگونه که یکی از اعضای هیئت بین المللی وکلا گزارش داد «آقای کرسپو نتوانست پیش از دادگاه دکتر گوسمان را ملاقات کند زیرا هیچکس به وی محل نگهداری موکلش را نمی گفت ... به دو ناظر از هیئت بین المللی وکلا که تقاضای حضور در دادگاه را تسلیم قضات نظامی کرده بودند جواب رد داده شد.

فقط آقای کرسپو با قایق موتوری به جزیره «سن لورنزو» برده شد و از لحظه ورود به آنجا دو ارتشی که صورتهای خود را پوشانده بودند مراقبت از وی را بعهده گرفتند. آنها کرسپو را مجبور کردند که عینک جوشکاری بچشم بزنند. سپس هرکدام از آنها یک دست او را گرفته و وی را در مسیری که می گفتند به

قلعه منتهی می شود به جلو هل دادند ... آبیمال گوسمان آنجا در قفسی محبوس بود و وکیل مدافعتش فقط توانست از طریق تلفن با او گفتگو کند ... - از گزارش آن ماری پارودی وکیل فرانسوی. سئوالات قضات تنها متوجه دیدگاههای سیاسی و ایدئولوژیک دکتر گوسمان بود. این امر تأکیدی بود بر اینکه در واقع او را بخاطر نقشی که بعنوان رهبر سیاسی و ایدئولوژیک حزب کمونیست بازی می کند محاکمه و محکوم کرده اند. ژنرالها برای وی مجازات حبس ابد تعیین کردند.

معنای «حبس ابد» را تعریف فوجیموری از شرایط اسارت روشن ساخت: او مطلقا حق ملاقات کسی را حداقل برای یکسال ندارد. مطلقا از حق داشتن کتب محروم است. او باید حبس انفرادی را در یک سلول سیمانی مخصوص که در زیر زمین در همان جزیره دفن شده، بگذراند. یک مقام ارتشی اعلام کرد «این سلول، گور وی خواهد بود.» با توجه به اینکه رژیم تصمیم به کشتن وی گرفته است باید گفت که این نحوه از اسارت صرفا «زنده بگور کردن» دکتر گوسمان است.

## تهدیدات آشکار به مرگ

یک هفته بعد فوجیموری اعلام کرد که فراندومی را برای اخذ «تائید توده ها» جهت قتل دکتر گوسمان برگزار خواهد کرد. او می گوید از این طریق بر آنچه سنت دیرینه ژنرالهای بدنام آمریکای لاتین بوده، «نقاب» بکشد. بعلاوه فوجیموری اعلام کرد که حکومت پرو از پیمان «سن خوزه» که میان کشورهای قاره آمریکا امضاء شده خارج خواهد شد. یکی از مفاد این پیمان منع مجازات اعدام است. بعد از انجام این تصمیم دکتر گوسمان و رهبران سایر سازمانهای سیاسی برای هر عملیاتی که توسط پیروان آنها صورت گیرد مجرم شناخته خواهند شد و مجازات اعدام درباره آنها اعلام خواهد گشت. این مسئله بویژه باید در پرتو تغییرات اخیر در قوانین پرو مورد توجه قرار گیرد. طبق این تغییرات هر فردی را بی آنکه عملی قهرآمیز مرتکب شود می توان محکوم به «تروریسم» کرد. عقاید و نوشته ها اینک می توانند به عنوان «اعمال تروریستی» جرم شناخته شوند.

## توطئه سکوت

زشتی و سبعیت این حمله تقریبا بی سابقه است. این در حالی است که ایالات متحده آنرا آشکارا تأیید کرده و تمامی کشورهای

## کارزار بین المللی ...

دیگر با سکوتی تأیید آمیز از آن استقبال کردند. سازمانهای مهم خبری جهان این استهزای بزرگ عدالت را با سکوت برگزار کردند. همه اینها فوجیموری و ارتش حامی وی را بشدت تشویق و ترغیب کرده است. «رقم» اعدامهای سریع» توسط ارتش افزایش یافته است. حکومت می گوشت تروریسم را مسئول این کشتارها معرفی کند. ارتش احساس می کند که با بودن گوسمان در زندان هر کاری را می تواند توجیه کند. «جولیان زامورا از کمیسیون حقوقدانان منطقه آند - بنقل از گزارش الکس امری از آسوشیتدپرس، لیما»

## قدرت خلق

## محکمه را بمصاف می طلبد

محاکمه فوق العاده يك زندانی سیاسی سرشناس در سراسر جهان با يك موج عظیم اعتراضی روبرو شد. يك کمیته اضطراری بین المللی بلافاصله برای دفاع از جان دکتر آبیما گوسمان در لندن تشکیل گشت. کسی بعد این کمیته سفر يك هیئت نمایندگی بین المللی متشکل از وکلا را سازمان داد. این هیئت روز اول اکتبر وارد لیما شد. این امر نقشه های رژیم برای مخفی کردن محاکمه از انظار جهانیان را برهم زد. دومین هیئت نمایندگی اواخر اکتبر به لیما رسید. افراد مسلح پلیس ضد چریکی پرو آنها را چند دقیقه بعد از آغاز يك کنفرانس مطبوعاتی دستگیر کرده و از کشور اخراج نمودند. دلیلی که برای اخراج آنها ارائه شد، تحقیقاتی بود که در مورد «دفاع از تروریسم» انجام یافته بود. فراخوانی از سوی کمیته اضطراری بین المللی صادر شد که توسط دهها هزار نفر از سراسر جهان منجمله وکلا، قضات، اساتید دانشگاه، هنرمندان، چهره های ادبی، نمایندگان پارلمان و غیره امضاء گشت. (رجوع کنید به متن فراخوان و لیستی که ضمیمه این گزارش است.) افراد ترقیخواه در سراسر جهان با گرایشات سیاسی گوناگون گرد آمده و کمیته هائی را جهت نجات جان آبیما گوسمان تشکیل دادند: در هند، آمریکا، نپال، مکزیک، استرالیا، آفریقای جنوبی، فرانسه، ترکیه،

بنگلادش، بریتانیا، پاکستان و غیره. صدها زندانی سیاسی در ترکیه که در اعتصاب غذا هستند به این مبارزه پیوستند. بیش از ده هزار نفر در نپال فراخوان را امضاء کردند. تلگرافهای بیشماری به سفارتخانه های پرو مخابره گشت. هیئتهائی جهت اعتراض به سفارتخانه ها اعزام شدند. مراکز بین المللی سازمان عفو بین الملل در لندن، فراخوانها و نامه های بسیاری را از چهار گوشه جهان دریافت کرد که در آنها خواست مداخله این سازمان به نفع آبیما گوسمان مطرح شده بود. اعتراضات توده ای تحت هدایت فعالین سیاسی به پیش رفت. در این زمینه تظاهراتی در مقابل سفارتخانه های پرو و آمریکا و دیگر مراکز مربوطه در پایتخت کشورهای گوناگون برگزار گشت. فراخوانی مبنی بر اختصاص يك روز حقوق از سوی کمیته اضطراری بین المللی خطاب به حامیان که از دهقانان و کارگران روزمزد کشورهای فقیر گرفته تا کارگران ماشین سازی و وکلای پرکار در کشورهای غنی را شامل می شود، صادر شد. به این فراخوان پاسخ مثبت داده شد و مبالغی که از این طریق جمع آوری گشت جهت بسیج و هماهنگ کردن موج مخالفت جهانی علیه محکومیت آبیما گوسمان و منجمله برای اعزام هیئتها به لیما مورد استفاده قرار گرفت.

اقدام عامدانه رژیم پرو برای مجازات دکتر گوسمان از طریق این دادگاه سریع و غیر قانونی نظامی، بسیج مخالفت بین المللی را به گونه ای اضطراری طلب کرده است. علیرغم اعتراضاتی که در کشورهای گوناگون برپا شده، شرایط بسیار خطرناک است و باید فشار عظیمی را سازمان داد تا فوجیموری و حامیان مجبور به عقب نشینی شده و نتوانند این زندانی سیاسی را بقتل برسانند.

جنب عدالت را بگیرید. به سخن درآئید و آنچه با محاکمه آبیما گوسمان در پرو اتفاق افتاده را محکوم نمائید. فریاد خود را در جهت منافع میلیونها کارگر، دهقان، دانشجو، روشنفکر و بومیان پرو که به آبیما بعنوان رهبر خویش می نگرند بلند کنید. با حملات حساب شده علیه جنبشهای ستمدیدگان به مقابله برخیزید. «... محاکمه آبیما گوسمان يك بدعت گذاری است ... مطبوعات اعلام کرده اند که هفت زندانی دیگر نیز از سوی دادگاه

نظامی «آره کپا» به حبس ابد محکوم شدند. و چه کسی می داند؟ شاید این «نظام قضائی» در سایر کشورهای آمریکای لاتین هم برای نابودی جنبشهای انقلابی مورد استفاده قرار گیرد ...» (آن ماری پارودی از هیئت بین المللی وکلا)

## لطفاً:

۱ - برای اطلاعات بیشتر فوراً با کمیته اضطراری بین المللی تماس بگیرید. (شماره تلفن و فاکس کمیته در لندن چنین است: ۴۸۲۰۸۵۳ (۷۱) (۴۴) بولتنهای اضطراری را در شهر، کارخانه، یا مدرسه خود پخش کنید.

۲ - مردم را برای دفاع از جان آبیما گوسمان سازمان دهید. نام خود یا سازمان خود را به فهرست امضاء کنندگان کمیته اضطراری بیفزائید. این نوشته را توزیع کنید. با مطبوعات محل اقامت خود تماس بگیرید و این موضوع اضطراری را در مقابل دیدگان عموم قرار دهید. بر حکومت خود فشار بگذارید تا علیه اقدامات فوجیموری برای کشتن آبیما موضع گیری کند و امثالهم.

۳ - اگر وکیل هستید ب فکر رفتن به پرو بعنوان عضوی از هیئتهای آتی باشید و به جمع سایر همکاران خود از نقاط مختلف دنیا بپیوندید تا این مسئله در محافل بین المللی مطرح شود. اگر پزشک هستید به پرو بروید و خواستار ملاقات دکتر گوسمان برای بررسی سلامت وی بشوید.

۴ - برای پشتیبانی از هیئتهای نمایندگی و کارزار بین المللی به کمیته اضطراری کمک مالی کنید - چکها می باید در وجه INTERNATIONAL EMERGENCY COMMITTEE به آدرس زیر فرستاده شود: BCM IEC / 27 OLD GLOUCESTER ST / LONDON WCIN 3XX / U.K

۵ - به مقامات پرو از طریق نامه و تلگراف اعتراض کنید:

PRESIDENT ALBERTO FUJIMORI / PRESIDENT DE LA REPUBLICA / PALACIO DE GOBIERNO / PLAZA DE ARMAS / LIMA 1 PERU

يك نسخه از متن اعتراضی خود را برای ما ارسال دارید

تا بحال اسناد زیر از سوی «کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان دکتر آبیما گوسمان» منتشر شده است.

۱ - فراخوان برای تشکیل کمیته اضطراری

۲ - بولتن های اضطراری (چهارده شماره)

۳ - در رد دروغهای بزرگ مربوط به پرو

۴ - سلاطین مواد مخدر در پرو کیانند؟

۵ - مسائل واقعی پرو اتهام «تروریست» بودن

حزب کمونیست پرو را بی اعتبار میکند

۶ - چند اطلاعیه

تمامی این اسناد بزبان فارسی ترجمه گشته است. برای تهیه آنها می توانید با دفتر کمیته اضطراری بین المللی در لندن یا نشانی پستی ما در سوئد تماس بگیرید.



زنان رزمنده ارتش چریکی خلق



# چند گزارش از انقلاب پرو

نشریه «ال دیاریو» چاپ لیما، پیش از آنکه توسط رژیم پرو غیرقانونی اعلام شود گزارشات متعددی درباره دستاوردهای جنگ خلق و حزب کمونیست پرو بچاپ رساند. متن زیر بخشهایی از گزارش خبرنگاران «ال دیاریو» است که با تغییراتی در فرم نوشته اصلی منتشر می گردد. آنها زندگی در يك منطقه آزاد شده و سازماندهی توده ها در زاغه های اطراف لیما را بازگو میکنند. این گزارشات جوانبی از جامعه و مناسبات نوینی که تحت رهبری حزب کمونیست پرو در حال شکل گیری است را بنمایش میگذارد - حقیقت

## يك منطقه پایگاهی انقلابی

اینجا بندری است نظیر بنادر دیگر که تحت مراقبت شدید رزمندگان مسلح قرار دارد. آنها مسئولیتهای خویش را با دقت و عزم انقلابی به پیش میبرند. تمامی بازدید کنندگان باید خود را معرفی کرده و هدفشان را از بازدید بیان کنند. مراقبت توسط چریکهای صورت میگیرد که لباس استتار بر تن داشته، فانوسه های مصادره شده از ارتش ارتجاعی بخود بسته و چکمه های لاستیکی پوشیده اند.

هنگام تعویض نگهبانان دستور میرسد که ما را به قلب منطقه پایگاهی ببرند. غروب به شام میگراید. فانوس افراد راهنما مسیر را روشن میکنند. راه پر پیچ و خم است و ما را به محلی میرساند که در آنجا رهبران مسئول در ارتش چریکی خلق آن ناحیه را ملاقات میکنیم. طی راه تقریباً هر دویست متر این فرمان را می شنویم: «ایست!» بلافاصله اسم شب گفته میشود. بعدها میفهمیم که این گشتیهای منضبط متعلق به نیروی پایه ای ارتش چریکی خلقند. نیروی پایه ای نقش نیروی انتظامی نوین را در هر کمیته علنی خلق بازی میکند. این نیرو مراقب شیخونهای دشمن است، اقدامات احتیاطی را علیه افراد نفوذی ارتجاع بکار می بندد و برای تامین حمایت ضروری از توده ها مبارزه میکند. نیروی پایه ای از افراد محلی تشکیل شده در صورت حمله دشمن باید پوششی دفاعی ایجاد کند تا اهالی روستا بتوانند در پناه آن عقب نشینی کرده و از خطر نابودی برحذر بمانند. نیروی پایه ای همچنین وظایف عقبدار نیروی محلی ارتش چریکی خلق

را در شرایط ضدحمله یا عقب نشینی به پیش می برد تا اینکه موقعیت برای استقرار دوباره منطقه پایگاهی در فرصتی دیگر فراهم گردد. از شدت باران کاسته میشود. چریکها بما می فهمانند که به مقصد رسیده ایم. اینجا اقامتگاهی کوچک است که گرداگردش را دهها چریک جوان مسلح گرفته اند. آنها به گرمی ما را پذیرا میشوند. نور ضعیف چراغ قوه ها بما خوشامد میگوید. يك رزمنده زن به سمت ما می آید، دستان را میفشرد و از ما میخواهد که بنشینیم. وقتی اهداف مان را برایش شرح می دهیم او هر کمکی که از دستش بر می آید به ما می کند. او بدون توجه به خستگی، شادی و علاقه صمیمانه ای برای صحبت با «ال دیاریو» از خود بروز می دهد. بعقیده او «ال دیاریو همانند کسانی که سلاح بدست گرفته اند روزانه بخاطر خلق در جنگ است.» او میگوید که تازه وظایف بسیار دشوار نظامی یکماهه اش را به انجام رسانده است. او از رفیق نلسون یاد میکند که در میدان نبرد جان باخت و پیکرش از دسترس مرتجعین دور ماند. (ارتجاع از تحویل جنازه ها سر باز میزند). در بحبوحه بسیج گسترده، رفیق نلسون را بخاک سپردند و یاد او که یکی از محبوبترین قهرمانان خلق در این منطقه بود را گرامی داشتند. او با محبت از برادرش که در راه انقلاب جان باخته نیز یاد میکنند. برادر وی قاطعانه تصمیم به مقاومت گرفته بود و علیرغم تمامی مسئولیتهای و وظیفه بزرگ کردن فرزندانش را هم بدوش میکشید. این رزمنده زن بما میگوید، نزدیک بوده جانش را در جریان نبرد در کوه های استان «هوانوکو» از دست بدهد. اما قطار فشنگی که در کوله پشتی داشته بطور اتفاقی سپر وی در برابر گلوله دشمن گشته است. و سرانجام، از آرزویش حرف میزند که آرزوی هزاران زن دیگر نیز هست: جنگیدن و جانباختن در راه حزب و انقلاب.

صحبتهای آن شب را با يك شام مختصر که از برنج و لوبیا تشکیل میشود به پایان می بریم. تعداد نگهبانان دو برابر میشود. صبح روز بعد، همگی مرتب، تمیز، سلاح بر دوش با بشقاب و قاشقی در دست آماده صبحانه هستند. جیره هرکس اعم از فرمانده یا رزمنده یکسان است.

تماس ما با ۳ واحد از نیروهای محلی ارتش چریکی خلق تصادفی

سود مجاز، ۳۰ درصد است. کنترل شدیدتری بر فروش مشروبات الکلی اعمال میگردد. برای عدم حمایت از فروش این محصولات (و نتیجتاً کاهش مصرف الکل)، حداکثر نرخ سود مجاز را پنج درصد تعیین کرده اند. مصرف الکل در اماکن عمومی به روزهای شب و یکشنبه محدود شده است.

مناطق تحت کنترل، سازماندهی و حکومت حزب کمونیست پرو وجود دارد که در آن برنج با کیفیت عالی تولید میشود. بعلاوه، همراه با تشویق کشت محصولات خوراکی، پرورش حیواناتی نظیر خوک، جوجه، اردک، گوسفند و حیوانات بارکش نیز تشویق میشود. یکی از اهداف اصلی کمیسرهای اقتصادی در کمیته های علنی خلق، برقراری تجارت و مبادله ادامه دار با روستاها و کمیته های علنی خلق در منطقه کوهستانی است؛ تا رژیم غذایی اهالی هوالاگای علیا با مصرف محصولاتی که این منطقه فاقد آن است (مثلاً، غاز، سیب زمینی، صیفی و سبزی و غیره) متعادل شود. خلاصه اینک، اقتصاد دولت نوین علیرغم مشکلات و موانع عظیمی که جامعه کهن و نمایندگانش بوجود می آورند، بی وقفه تکامل می یابد.

### همگام با ارتش چریکی خلق

زندگی کردن با ارتش چریکی خلق در این چند روز برای ما يك افتخار است. چرا که این ارتش نمونه زنده ای از روحیه انقلابی، شجاعت، تعهد طبقاتی و خدمت به خلق است. این ارتش کاملاً از نیروهای ضعیف و فاسد پلیس و ارتش دولت ارتجاعی متفاوت است. در میان نیروهای مسلح دولتی با تعداد زیادی قاتل، دائم الخمر، دزد، مزدور و غیره روبرو میشویم.

در میان سربازان ارتش چریکی خلق نه قدرت بدنی معیار است و نه رنک پوست. اینجا رنگین پوستان، سفیدها، سیاهان و آسیائی ها از زن و مرد، پیر و جوان و نوجوان و کودک، حضور دارند. همگی از یکدیگر مواظبت میکنند. آنها با هم راه می پیمایند، صحبت میکنند، میخورند و زندگی میکنند. افراد ارتش چریکی خلق همواره تفنگ، تبر، غذا و کوله پشتی خود را حمل میکنند. آنها سرودخوان از دل روستاها و آبادیهای کوچک به پیش راه می گشایند و چنین میخوانند: «در سراسر دره ها و کوههای آند نیروی چریکی آزادانه پیش میرود. اینان بهترین جنگندگانند که از روستا بسمت شهر راه می گشایند.....»

ساعت شش و نیم صبح چریکها بعد از انجام ورزش روزانه هر يك در دسته های خود قرار میگیرند تا حضور و غیاب قبل از صبحانه انجام گیرد. زمانی که فرمانده سیاسی نیروی پایه ای که دهقانی ۳۸ ساله است وارد میشود، سربازان به نشانه احترام کلاهشان را برمیدارند. او در حالی که مشت خود را به نشانه سلام به سربازان بالا برده است میگوید: «با درود به رهبری هوشیار، قطب حزب متحد ما و ضامن پیروزی و پیشرفت بسوی کمونیسم. او کیست؟ صدر گونزالو.....» با درود به کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو، به جنگندگان قهرمان و به همه رفقای حاضر.» سربازان بگونه ای منضبط از فرمانده تشکر میکنند.

او به صحبتهایش با مکت اما با لحنی محکم ادامه میدهد: «وظیفه ما از این هم سنگینتر خواهد شد، پس باید نیازهای توده ها را بهتر بفهمیم تا این اکثریت عظیم با ما همراه گردد. نشان دهیم که حزب توده ها را در جنگ خلق رهبری میکند و بزرگترین دستاورد آنها کمیته های علنی خلق است. این يك دستاورد انکار ناپذیر است. دستاورد نخستین کارزار و نتیجه توسعه جنگ خلق. در عین حال این دستاورد بما کمک میکند که جنگ متحرک را بجلو سوق دهیم. دشمن میخواهد ما را نابود کند، اما موفق نخواهد شد؛ زیرا جنگ ما جنگ توده هاست و ما همگی برای انقلاب خلقمان متحد شده ایم. واقعیت اینست که در سراسر کشور این مائیم که آنان را نابود میکنیم. صدر مائو بما میگوید که در زمان دشواری باید دستاوردهایمان را بخاطر آوریم، نگاهمان را از اهدافمان دور نسازیم و شجاعت خود را بالا ببریم.»

صحبتهای الهام بخش فرمانده سیاسی برای چند دقیقه ادامه می یابد و سربازان را بیش از پیش متحد میکند. سپس او سکوت سربازان را بقیه در صفحه ۱۴

صورت میگیرد. آنها تازه يك کارزار سیاسی - نظامی را در آن منطقه به انجام رسانده اند و حالا برای عملیات جدید در بزرگداشت یازدهمین سالگرد جنگ خلق آماده میشوند. بما گفته میشود که چندین واحد از این نیرو به واحدهای نیروی عمده ارتش چریکی خلق خواهند پیوست تا عملیات گسترده نظامی را به پیش برند. بعدها خبر حمله به يك پایگاه پلیس را می شنویم که طی آن، ۴ ستوان و تعداد زیادی از اوباش حکومتی کشته یا زخمی شده اند.

بازدید ما از اردوگاه ارتش چریکی خلق هرچند کوتاه است اما موفق میشویم چگونگی زندگی رزمندگان را ببینیم، عکس هائی بگیریم و با رهبران مسئول آنها صحبت کنیم. بعلاوه میتوانیم در مراسم ۱۷ ماه مه (روز آغاز جنگ خلق) شرکت کنیم. هدف اصلی این برنامه، تقویت پیوندها با توده های چند کمیته خلق است. بخش مهم این مراسم را ارائه مجدد گزارش به نشست پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو تشکیل میدهد که توده ها با دقت آن را گوش میکنند. نمایشی نیز اجراء میشود که موضوعش نخستین عملیات حزب در سال ۱۹۸۰ حول شعار تحریم انتخابات است.

### اقتصاد نوین چگونه کار میکند

اقتصاد نوین که در کمیته های خلق و مناطق پایگاهی انقلابی در حال توسعه است، مناسبات پوسیده تولیدی کهن و مبادلات تحت کنترل ملاکان و قاچاقچیان عمده مواد مخدر را از صحنه پاک کرده است. اقتصاد نوین مبتنی بر اصل خودکفائی و کار جمعی بر حسب الزامات جنگ خلق است. در به اصطلاح مناطق کوکائین (جائی که طی سالهای اخیر بعلت عدم بارآوری کافی زمین برای کشت سایر محصولات، در آن فقط گیاه کوکا کشت شده است)، حزب کمونیست پرو کشت محصولات خوراکی را تشویق میکند؛ با این هدف که کمیته های خلق بالاجبار به تجارت برگ کوکا وابسته نشوند. منطقه هوالاگای علیا در سطح جهانی بعنوان یکی از مراکز تولید گیاه کوکا شناخته میشود. دهقانان فقیر این منطقه وسیع حاره بخشی از وقت خود را صرف جمع آوری برگ کوکا میکنند. يك مشکل این منطقه که جواب میطلبد و دهقانان را بر سر دوراهی قرار داده اینست که ارزش محصولات خوراکی آنها در بازار نسبت به برگ کوکا پایین است. در حالیکه موز سبز، کاکائو و یوکا توسط تجار و انحصارات سلف خری به قیمت پائین خریداری میشود (و این قیمت حتی مخارج کشت و برداشت را هم جبران نمیکند)، تجار واسطه برای برگ کوکا قیمتی را می پردازند که تقریباً مخارج کشت محصولات خوراکی دهقان را جبران میکند. حزب کمونیست پرو تاکید مهمی بر حمایت از کشت مواد خوراکی قابل عرضه در بازار میگذارد؛ زیرا اینکار کمیته های علنی خلق را قادر به وارد کردن کود با پرداخت حداقل اضافه بها میکند. مثلاً، کمیسر اقتصادی و تولیدی در کمیته خلق مسئول آن است که تضمین کند نرخ سود کسبه خردی که جهت فروش کود به منطقه می آیند، به ۳۰ درصد محدود بماند. در گذشته، این محصولات با نرخ سودی قریب به ۳۰۰ درصد خرید و فروش میشد و همین مسئله کشت گیاهان غیر از کوکا را برای دهقانان ناممکن میساخت.

اقتصاد نوینی که با برعصه وجود نهاده در جهت رفع نیازهای اهالی، نمونه بوده و نقش موثری ایفا کرده است، مسکن و يك قطعه زمین قابل کشت برای دهقان و خانواده اش تضمین شده است. در کمیته های علنی خلق، زمین برای کسانی است که آن را میکارند. اجاره دهی مجدد اراضی و یا به ارث بردن آنها مجاز نیست. هرکس که بخواهد تحت نظام رهبری و سازمان کمیته های علنی خلق کار کند، این امکان را دارد. حال آنکه تحت جامعه کهن این حق نفی میشد. مبادله محصولات غالباً جریان دارد اما توسط کمیسر اقتصادی کنترل میشود. او يك قیمت عادلانه را برای هر دو طرف تضمین میکند. فروش یا مبادله پایاپای میوه، صیفی یا سبزیجات در ازای مواد غذایی کارخانه ای شهری نظیر روغن، ماکارونی، ادویه و غیره غالباً جریان دارد. بعلاوه خیلی اوقات محصولات این منطقه با سیب زمینی و پیاز منطقه کوهستانی مبادله میشود. در زمینه تجارت اینگونه است که بمحض ورود محصولات به کمیته خلق، قیمت ها تنظیم میشود. حداکثر نرخ

## چند گزارش ...

با چند شعار و با هیجان بسیار میشوند. همگی با هم فریاد میزنند: «زنده باد صدر گونزالو! زنده باد جنک خلق! زنده باد حزب کمونیست پرو!»

ساعت تقریباً ۷ صبح است. خورشید به نرمی نور سرخ خود را بر چهره ۲۰۰ جنگنده نیروی پایه ای می تاباند. آنها که در واحدهای ده نفره جای گرفته اند با شور و هیجان بسیار فریاد میزنند: «سختی در کار جهان هرگز! باید صعود به قله را جرات کنی!» این بخشی از سروده زیبای صدر مائوتسه دون است. شعارهای بعدی چنین است: «وظیفه عمده ما جنگیدن و مقاومت کردن در راه جنک خلق است»، «اصل عمده برای ما اینست که حزب بر تفنگ فرماندهی میکند و هرگز نباید تفنگ بر حزب حکم براند.»

روز آغاز شده است. جنگندگان بعد از صبحانه با واحدهای مربوطه شان قرار ملاقات دارند. مبارزه دو خط به پیش میرود. امروز بحث بر طرق صحیح و ناصحیح حل مشکلاتی که روز قبل پیش آمده متمرکز است. سپس هر گروه براه می افتد. آنها در مسیرشان به دهقانانی که راهی کارند درودی گرم میفرستند. بعضی از دهقانان کوله پشتی هایشان را بدست گرفته اند و سایرین تبر یا بیل حمل میکنند. در حالی که خورشید به آرامی مشغول خشک کردن زمین باران خورده از شب قبل است، پسر بچه ای را میبینیم که بزها را بسوی چراگاه میبرد. دهقانی قفسه کتابهایش را در کنار دکان کوچکش میگذارد و مجلات و روزنامه «آل دیاریو» را برای فروش بیرون می چیند. اینجا نقطه ای استراتژیک و محل عبور ناگزیر سربازان و دهقانان چندین کمیته خلق ناحیه میباشد. بار دیگر فرمانده سیاسی و فرمانده نظامی در مقابل نیروی پایه ای ایستاده اند. حالا نوبت صحبت‌های فرمانده نظامی است. او با احترام درودی گرم به صدر گونزالو و حزب میفرستد، سپس اضافه میکند: «رفقا، یکروز زیبایی دیگر از حرکت ما بسوی حمله نهائی و کسب قدرت فرا رسیده است. ما از این طریق همانند گردباد و تحت رهبری چراغ راهنمای صدر گونزالو و با الهام از مارکس و لنین و مائو به پیش میرویم. با تعهد به وظایف ارتش چریکی خلق و برای تحقق کامل اصل جنگیدن، بسیج کردن و در تولید شرکت کردن، امروز در تولید شرکت میجوئیم تا باری بر دوش توده ها نبوده بلکه یاریگر آنها باشیم.» سپس مسئول لجستیکی نیروی پایه ای شروع به صحبت میکند. او از فرماندهان نظامی هر واحد درباره سلامتی سربازان گزارش میگیرد و سپس برای کار آروز داوطلب میخواهد. این کار شامل کمکهای اولیه، آشپزی و خرید غذا و تجهیزات پزشکی است. بعد از مشاوره فرماندهان همه چیز مهیاست. وظیفه نگهبانی و امور تدارکاتی بعد از این تعیین میشود. فرمانده نظامی نام سربازانی که برای رسته رویارویی انتخاب شده اند را می خواند. وظیفه آنها باز کردن راه برای رفقای است که درگیر تولید هستند. این رسته باید بمشابه نیروی عقیدار چریکها نیز عمل کند. به سربازانی که مسئول نگهبانی هستند فرمان داده میشود تا در پستهای تعیین شده خود جای گیرند. هنگامی که نگهبانان براه می افتند صدای فرمانده نظامی را میشوند که میگوید: «رفقا مراقب باشید!» حتی يك دقیقه در ۲۴ ساعت نیست که نگهبانی رعایت نشود. در نقاط نزدیک به بخش اصلی پایگاه نگهبانان هر یکساعت عوض میشوند. در نقاطی که دورتر از محل انجام وظایف نیروهای پایه ای است، نگهبانی این چنین فشرده نیست؛ اما آنجا نیز وقت شناسی بطور کامل رعایت میشود.

نیروی پایه ای برای پیشبرد وظیفه تولیدی خود براه می افتد. آنها مجهز به تبر، طناب و تفنگی هستند که همیشه بر شانه هایشان قرار دارد. سربازان در ستون یکنفره راهپیمایی میکنند و در چهره هایشان شور و هیجانی بسیار موج میزند. آنها سرودهایی درباره جنک خلق، مارکس و صدر گونزالو میخوانند و این ترانه را که: «ما بر مزدوران و قاتلان خلق شیبخون میزنیم، ما جنگندگان چریک هستیم - فرزندان توفان - که در مبارزه ای سخت آبدیده شده ایم.....»

دهقانان بگرمی به جنگندگان خوشامد میگویند. در این مسیر پستهای نگهبانی متعددی در نقاطهای کلیدی جنگل وجود دارد که توسط گیاهان پر شاخ و برگ استتار شده است. پستهای دیگر در ارتفاعات کوهستانی قرار دارد. سربازانی که نگهبانی میدهند به نارنجک

و سلاحهای ضد تانک و ضد هلیکوپتر و دوربین مجهزند. در این روز مشخص هر عضو ارتش چریکی خلق به محض اینکه فرمان ایست را شنید باید فوراً جواب دهد: «زنده باد مائوتسیم!» اگر توده ها فرمان ایست را شنیدند باید جواب دهند: «مرگ بر رویزیونیسما!» هر منطقه ای رمز عبور خود را دارد. هرکسی که اسم رمز را نداند بازداشت میشود. سربازان میگویند «شاید ورود به منطقه آسان باشد؛ اما خروج از آن دشوار است. رفقای زیادی داریم که در کار شناسایی جاسوسان خبره گشته اند.»

یکساعت بعد فرمانده نظامی به آنها میگوید که توقف کنند. جاده با بیشه زار احاطه گشته است. کمی جلوتر نهری که از آن برای آبیاری استفاده میشود در کنار راه بچشم میخورد. چند کنده درخت که به آنها سیم خاردار متصل شده نشان از خانه یا قطعه زمین زراعی چند دهقان در آن نزدیکی دارد. بعضی از جنگندگان چریک شرح میدهند که حکومت در اینجا يك پایگاه نظامی داشت؛ اما بعد از متحمل شدن چند شکست از سوی حزب، منطقه را ترک گفت. بعد از آن بود که چریکها چندین گور جمعی پر از اسکلت را کشف کردند. نشانه هائی از شکنجه قربانیان قبل از تیرباران مشاهده شد.

صداهائی نزدیک میشوند. چند دهقان با همسر و فرزندانشان از بیشه زار بیرون می آیند. جنگندگان سلام و علیک گرمی با آنها میکنند. دهقانان چند نقطه را در افق به فرمانده نظامی نشان میدهند. فرمانده نظامی دهقانان را ترک میگوید و آنها نیز راهی کار میشوند. فرمانده به سربازان میگوید: «رفقا، کار جمعی امروز قطع کردن درخت و به وجود آوردن يك منطقه باز است. تا بدین طریق بتوانیم به توده های این کمیته علنی خلق قطعات جدیدی زمین بدهیم که بتوانند در آن خانه ساخته و حیوانات و محصولات نظیر برنج، ذرت، یوگا، میوه و سبزیجات کشت کنند.» سربازان با تبر به باز کردن راه می پردازند. هیچکس تفنگش را به زمین نمی گذارد. زمانی که وقت انتقاد و انتقاد از خود فرا رسد، هر آنچه که باید مورد انتقاد سخت قرار میگیرد. بعضی از سربازان برای تقویت نگهبانی اعزام میشوند. بقیه رفقا زن و مرد همراه با توده ها برای ایجاد کانال آبیاری بکار می پردازند. بدینگونه بهترین پسران و دختران خلق برای قطع شاخ و برگها و ساقه های کلفت گیاهان کار میکنند تا زمین از خورشید بی نصیب نماند. آنها بقول صدر گونزالو با «ذهن روشن، اراده و شوری پایان ناپذیر» کار میکنند. و همانطور که صدر مائوتسه دون خاطر نشان میسازد: «دوستی میان ارتش و خلق با کار متقابل و کمک متقابل در امر تولید، تحکیم میشود.»

بعد از نهار حدود ساعت سه و نیم، به سربازان گفته میشود که تا ساعت شش و نیم بعد از ظهر به امور شخصی خود پردازند. آنها مشغول کارهای روزانه خود میشوند. قبل از آن که به شستن لباس یا حمام کردن پردازند بعضی از رفقا مشغول ورزش میشوند. شب هنگام که پایگاه با نور فانوس روشن شده است سربازان بر زمین نشسته، حلقه ای تشکیل میدهند. این اجتماعی برای تحکیم رفاقت و وحدت آنهاست. فرمانده از همه می خواهد که ببا خیزند و سرود انترناسیونال را بخوانند. بعد از آنکه هر سرباز به صدر گونزالو و حزب درود فرستاده، آوازخوانی، رقص و دکلمه شعر آغاز میشود. بعضی از سربازان نمایشنامه ای تحت عنوان «انتخابات را تحریم کنید» را اجرا میکنند. گردهمایی با خواندن سرود ارتش چریکی خلق به پایان میرسد.

روزهای بعد نیز کار ادامه میابد تا اینکه به اتمام رسد. با کمک چند روز آفتابی، ساقه ها و شاخه هائی که قطع گشته اند را در گوشه ای جمع کرده و آتش میزنند. باران خاکستر را به کود تبدیل میکند و بدین ترتیب زمین برای زراعت دهقانان عضو کمیته علنی خلق که اینک هزاران تن از اهالی محل را در بر میگیرد، آماده تر میشود.

## نیروهای تشکیل دهنده ارتش چریکی خلق

نیروی پایه ای، سومین نیروی ارتش چریکی خلق است. نیروهای اول و دوم، به ترتیب نیروی عمده و نیروی محلی نام دارند. نیروی اول عمدتاً از کمونیستهای آبدیده توسط جنک خلق و توسط آیدئولوژی پرولتاریا تشکیل میشود. بسیاری از جنگندگان نیروی عمده،



توده های مسلح در یکی از کمیته های علنی خلق

نوبین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به پیش میبرد. بدین طریق خلق با انقلاب در می آمیزد. در مبارزه سرسختانه برای کسب رهایی، خلق سازمان می یابد و نیروی پایه ای را برای دفاع از کمیته های علنی خلق تشکیل میدهد. برای تحقق این هدف آنها کارزارهای سه، شش یا دوازده ماهه را به پیش میبرند. بعد از انجام این خدمت داوطلبانه نظامی، جنگجویان به اعضای نیروی محلی و سپس نیروی عمده تبدیل میشوند.

### انقلاب در زاغه های لیما

«ما چه کرده ایم؟ خود را سازمان داده ایم - اما اول منضبط شده ایم تا بمشابه مردم فقیر يك تن واحد باشیم.»  
از زبان يك رهبر جوان در زاغه های راثوکانا نزدیک لیما، نقل شده در روزنامه لس آنجلس تایمز ۱۳ اکتبر ۹۱

با آنکه بطور کلی عرصه عمده جنگ خلق، مناطق روستایی است اما بموازات آن، پیشرفتهای انقلابی مهمی را در لیما و سایر شهرهای پرو شاهدیم. امروز میلیونها نفر در زاغه های گسترده دورادور پایتخت این کشور زندگی میکنند. مردم در این «شهرهای جوان» (آنگونه که در لیما از زاغه ها یاد میکنند) از گرسنگی و بیکاری گسترده، از فقدان خدمات پایه ای نظیر مراقبت پزشکی، آب آشامیدنی یا مدرسه رنج میبرند و قربانی خشونت پلیس میشوند. زاغه ها هر روز توسط مردمی که از فقر فلاکتیاب و ترور ناشی از کارزارهای ضدچریکی حکومت نظامی در روستا میگریزند، گسترده تر میشود - این مردم به شهر میآیند فقط برای آنکه با بدبختی بیشتری روبرو شوند. اما هرچه میگذرد اهالی زاغه ها امور را بیشتر در دست خویش میگیرند. مبارزه رشد یابنده ای علیه حکام کشور در میان تهیدستان لیما جریان دارد و نفوذ حزب کمونیست پرو در حال افزایش است.

یکی از محلاتی که حزب بطور متمرکز در آن فعالیت نمود و به سرمشق و مظهری از مبارزه زاغه ها تبدیل گشت، «راثوکانا» نام داشت. این محله در سال ۱۹۹۱ بعد از يك مبارزه قهرمانانه و خونین تخلیه شد. «راثوکانا» زاده مبارزه بود. چند سال پیش بیخانمان ها در يك مرتع خشک بر دامنه تپه های اطراف لیما شروع به اسکان کردند. در جریان حمله پلیس به این زاغه، مردی بنام فلیکس راثوکانا کشته شد. مردم نام وی را بر محله خویش نهادند. هزار و پانصد خانوار در «راثوکانا» خود را سازمان داده و برای حل مشکلات و مبارزه علیه حکومت و پلیس به فعالیت مشترک پرداختند.

محله در چندین بخش سازمان یافته و هر بخش تابع مجمع عمومی خلق بود که در آن مسائل محله و هر خانوار مورد بحث قرار میگرفت. بقیه در صفحه ۱۶

آغازگران مبارزه مسلحانه در ماه مه ۱۹۸۰ بوده اند. آنها کادرها و اعضای هستند که بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم - اندیشه گونزالو، تربیت شده اند. آنها تجربه طولانی سیاسی و ایدئولوژیک دارند و ضامن اعمال خط سیاسی - نظامی حزب کمونیست پرو که هوشیارانه توسط صدر گونزالو هدایت میشود، هستند. همین ها هستند که کار پس گرفتن آن مناطق که نظم کهن در آنجا احیا شده را به پیش میبرند. یعنی نقاطی که حزب در آنجا قدرت نوبین را سازمان داده بود اما حکومت از طریق قتل و کشتار آنها پس گرفت. ارتش چریکی خلق بدلیل تاکتیکی عقب نشست و مرتجعین به ایجاد قلعه های جدید طبق مدل اردوگاههای کار فاشیستی پرداخته و قوانین حکومت نظامی و اقدامات سرکوبگرانه دیگر را اعمال نمودند. رهبری حزب در این اماکن بطور زیرزمینی به فعالیت خود ادامه میدهد و مقاومت و نبردهای آتی را تدارک میبیند. کمیته های علنی خلق در این مناطق به کمیته های موازی تبدیل شده اند. در حالی که مرتجعین خشم و نفرت خلق را نصیب خود میکنند، حزب شرایط پس گرفتن کنترل منطقه را تدارک میبیند. برای مرتجعین، پلیس، ارتش و سایر قوای ضدانقلابی ماندن در قدرت کار ساده ای نیست. آنها مورد حمله قرار خواهند گرفت و نیروهای مائوئیست مداوماً به ستوه شان خواهند آورد. ترس و درماندگی در صفوف قوای حکومتی رشد خواهد کرد. کمونیستها توسط تجربه خود و درسهای تاریخی هدایت میشوند. یکی از این درسها را صدر مائو چنین خلاصه کرده است: «دشمن پیشروی میکند ما عقب می نشینیم؛ دشمن مستقر میشود ما او را به ستوه می آوریم؛ دشمن خسته میشود ما به او حمله میکنیم.» بیائید تا برای نمونه نگاهی به عملیات علیه پایگاهی ارتشی بیفکنیم که توسط میدان مین محافظت میشد. حمله با شلیک نارنجک تفنگی بر دروازه فولادی و آتش مسلسل آغاز گشت. فرمانده دشمن آنقدر وحشت کرده بود که نمیدانست چکار کند. بمحض اینکه دشمن سایه هائی را در حال صعود بر دیوار دید، گمان برد که چریکها هستند. بهمین خاطر فوراً سیستم امنیتی آنها بکار افتاد. انفجار مهیب بود و ۵۰ سرباز قطعه قطعه شدند. چه اتفاقی افتاده بود؟ معلوم شد سایه هائی که باعث وحشت آن افسر شده بود متعلق به سربازان و افسران خودشان بود که از حمله سخت چریکهای مائوئیست فرار میکردند. حکومت برای پوشاندن مرگ بیرحمانه آن ۵۰ سرباز گزارش داد که «۵۰ تروریست کشته شدند.»

نیروی عمده شرایط را بررسی میکند و مناطق جدید را فتح می نماید. این نیرو با قدرت آتش خود ضدانقلاب را ریشه کن و نابود کرده و قدرت نوبین را مستقر میسازد. نیروی محلی و نیروی پایه ای برای سازماندهی نظام نوبین مشترکاً فعالیت میکنند. وقتی نیروی اصلی در حال اقدام است، نیروی محلی برجای میماند. این نیرو مسئول حفاظت قدرت نوبین بوده و با مشارکت فعال توده ها امر استقرار نظام

## برای آزادی رفیق گونزالو بپا خیزید!

نقش مهمی که در انقلاب جهانی دارد، اهمیت مبارزه برای آزادی صدر گونزالو را صد چندان کرده است. ما باید خود را در خط اول بگذاریم. ما از همه نیروهای اصیل کمونیستی و انقلابی می خواهیم که برای دفاع از جان صدر گونزالو بپا خیزند و زمین و زمان را بهم ریزند و اجازه دست درازی را به مرتجعین ندهند. مصالحتی که رفیق گونزالو برایمان فراهم کرده ما را پیروزمند خواهد ساخت. ■

برای آزادی صدر گونزالو بپا خیزید!  
زنده باد صدر گونزالو!  
زنده باد حزب کمونیست پرو!  
زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - کمیته کردستان - مهر ۱۳۷۱

عصر روز شنبه ۱۲ سپتامبر رفیق گونزالو (آبیمال گوسمان) صدر حزب کمونیست پرو به همراه چند رفیق دیگر که اکثریت آنان را رفقای زن تشکیل میدادند توسط ارتش و پلیس دولت دست نشانده و ارتجاعی فوجیموری اسیر گشتند. اسارت صدر گونزالو و یارانش را خبرگزاریهای امپریالیستی با خوشحالی و لحظه به لحظه به سراسر جهان مخابره کردند و همه روزه کارشناسان «راه درخشان» (نامی که مطبوعات بورژوائی روی حزب کمونیست پرو گذاشته اند) در مورد اهمیت این اسارت صحبت میکنند؛ ولی در پایان عجز خود را بدین صورت بیان میکنند که «حزب کمونیست پرو قابلیت ترمیم دارد و با این وجود خللی در ادامه و پیشبرد جنگ خلق وارد نمیشود.» صدر گونزالو که از دهه ۷۰ رهبری حزب را در دست دارد و جنگ خلق را در پرو هدایت میکرد، شدیداً باعث نگرانی امپریالیستها و نوکرانش در سراسر جهان بالاخص در پرو شده بود.

پیشروی انقلاب پرو تحت رهبری حزب کمونیست پرو و صدر گونزالو با توجه به کارزار جهانی امپریالیستها بر علیه کمونیسم و



ارتش چریکی خلق

آنها در مورد نحوه مجازات برای هر خطائی تصمیم می گرفتند. ساکنان راثوکانا جهت آمادگی در برابر هر اتفاقی به سازماندهی یک ساختار دفاع مشترک پرداختند و نگهبانی نوبتی را باب کردند. این نیرو در نقاط استراتژیکی واقع در تپه های اطراف موضع میگرفت. در عین حال سایرین در برجاها و محیط اطراف نگهبانی میدادند. اقدامات دفاعی محله شبانه روزی بود.

امروز تجربه «راثوکانا» در زاغه های تحت نفوذ حزب کمونیست پرو بکار بسته میشود. ■

## چند گزارش ...

در مدت کمتر از دو سال آنها موفق شدند فساد، بیسوادی، دزدی و استعمال مواد مخدر که در سایر زاغه های پایتخت امری رایج است را کاملاً ریشه کن کنند. ساکنان «راثوکانا» بطور منضبط در هر بخش یک مرکز تجمع، چاه آب، نهارخوری خلقی، باغچه عمومی و دامداری عمومی ایجاد کردند که در آن هرکس آگاهانه برای تحقق خودکفائی کار میکرد. در این محله همسایگان میتوانند دارائی خود را هر جا که خواستند رها کنند و هیچکس جرات تعدی به آنها نداشت، زیرا مردم هرگونه تصاحب نامشروع را با مجازات شدید پاسخ میگفتند.



# انقلاب پرو درسهای زیادی برای آموختن دارد

برای دستیابی به درک عمیقتر از انقلاب پرو به منابع زیر مراجعه کنید:

### «جهانی برای فتح» شماره ۱ - ۱۳۶۳

- آنگاه که کوهستان آند می غرد: ارزیابی از آخرین عملیات و همچنین تاریخچه و اهداف چریکهای راه درخشان  
- بهمهراه نامه ها و بیانیه هائی از حزب کمونیست پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۲ - ۱۳۶۴

- در راه درخشان ماریاتکی (بنیانگذار حزب کمونیست پرو)، سندی از حزب کمونیست پرو - در ماندگی پاپ در پیشگیری از جریان انقلابی  
- رفیق مه چه تسلیم ناشدنی است  
- بعد از تعرض پاپ منشانه ... نوبت فریب انتخاباتی است

### «جهانی برای فتح» شماره ۳ - ۱۳۶۴

تحریم انتخابات، بررسی وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در پرو:  
- «رای ندهید - جنگ چریکی را دامن زیندا»، سندی از کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو  
- رئیس جمهور جدید ضد انقلاب پرو  
- جوانه های همه جا گستر پشتیبانی از انقلاب پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۴ - ۱۳۶۴

- جنگ خلق به پیش می رود، ارتجاع همیشگی در قالب رژیم جدید  
- هنر انقلابی از زندانهای پرو  
- کارزار جهانی حمایت از انقلاب پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۶ - ۱۳۶۵

قهرمانی صدها اسیر جنگی انقلاب در مواجهه با کشتار، در سراسر جهان طنبن افکن گشت:  
- «سنگر درخشان نبرد»، بیانیه کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی درباره کشتار در زندانهای پرو  
- «روز قهرمانی»، قطعنامه حزب کمونیست پرو  
- کی می رود زخاطر، خون روان یاران  
- شعله ها به استان پونو سر می کشند  
- طنبن حمایت از جنگ خلق در پرو در تمام قاره ها  
- گزیده هائی از سخنرانی ارائه شده در کارزار جهانی پنج سال جنگ خلق در پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۸ - ۱۳۶۶

تشریح پیشرفتهای حاصله از ساختمان يك رژیم نوین خلقی از طریق جنگ علیه دولت ارتجاعی:  
- «جنگ خلق را در خدمت به انقلاب جهانی گسترش دهید»، سندی مهم از حزب کمونیست پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۹ - ۱۳۶۶

سالگرد خیزش در زندانهای پرو:  
- جان باختن در راه حزب و انقلاب، نوشته رفیق گونزالو  
- اطلاعیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

### «جهانی برای فتح» شماره ۱۱ - ۱۳۶۷

«درباره مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم» و «درباره اندیشه گونزالو»  
- اسنادی از نخستین کنگره حزب کمونیست پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۱۳ - ۱۳۶۸

- جنگ خلق در تدارک مرحله ای نوین  
- اعتصاب مسلحانه در «تپه های جنگلی»، گزارش يك شاهد عینی  
- مبارزه آگاهانه طبقاتی پایتخت را به تعطیلی می کشاند

### «جهانی برای فتح» شماره ۱۴ - ۱۳۶۹

- شعار «جنگ علیه مواد مخدر» از سوی حکومت آمریکا پوششی است برای افزایش دخالت علیه جنگ خلق

### «جهانی برای فتح» شماره ۱۵ - ۱۳۶۹

- سخنرانی رفیق گونزالو صدر حزب کمونیست پرو در بزرگداشت چهلمین سالگرد انقلاب چین: در این سخنرانی تحلیلی عمیق از نتایج انقلاب چین برای انقلاب جهانی بعمل آمده است، رفیق گونزالو از شکست ناپذیری و شادابی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم که پیشرفتهای عظیم جنگ خلق در پرو گواه آنست بحث می کند و به موضوع کسب سراسری قدرت سیاسی می پردازد.  
- پیام کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به حزب کمونیست پرو بمناسبت سالگرد شروع جنگ خلق  
- درود و افتخار بر پرولتاریا و خلق پرو، بیانیه ای از سوی حزب کمونیست پرو

### «جهانی برای فتح» شماره ۱۶ - ۱۳۷۰

۱۹۹۱ - سال همبستگی انترناسیونالیستی با جنگ خلق در پرو  
- «یانکی گو هوم!»، فراخوان کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی برای کارزاری بین المللی در مقابله با دخالتهای فزاینده امپریالیسم آمریکا در پرو علیه جنگ خلق  
- پیامهای همبستگی با حزب کمونیست پرو و جنگ خلق

### «جهانی برای فتح» شماره ۱۷ - ۱۳۷۱

جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو به مرحله نوینی گذر کرده است: تعادل استراتژیک، ارتش انقلابی به اندازه کافی قوی شده که بتواند ثبات نسبی مناطق پایگاهی را تامین کند؛ مناطقی که در آن دهقانان فقیر و سایر توده های روستائی قدرت سیاسی را در دست دارند. قدرت سیاسی توده ها «اسلحه سری» چریکها است و تکامل کل جنگ را به جلو می راند. امروز سیاستمداران و امپریالیستهای یانکی به احتمال پیروزی سراسری حزب کمونیست پرو بطور جدی نگریسته و نقشه سطح نوینی از تجاوز را برای جلوگیری از آن در سر می پروراند.  
- کمونیسم در پرو به پیش می تازد.

### «حقیقت» شماره ۴ - ۱۳۶۵

- برخورد خونین دو انترناسیونال در لیما

### «حقیقت» شماره ۱۲ - ۱۳۶۷

- دشمن از راه درخشان سخن می گوید

### «حقیقت» شماره ۱۵ - ۱۳۶۸

- پرو: پیشرویهای جهش وار جنگ خلق

### «حقیقت» شماره ۱۸ - ۱۳۶۹

ویژه دهمین سالگرد جنگ خلق در پرو:

- رمز پیروزی

- پابهای ۱۰ سال جنگ خلق در پرو

- جنگ خلق: نابود کردن کهنه، ساختن نو

- حزب کمونیست پرو و مشی توده ای

- جنگ خلق و کارزارهای ضد انتخاباتی

- «راه درخشان» از نگاه دشمن

- اطلاعیه حزب کمونیست پرو بمناسبت دهمین سالگرد جنگ خلق

- پیام اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

به حزب کمونیست پرو

- پیام کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

به حزب کمونیست پرو

## راه درخشانی‌ها

زنان و مردان دهقان، با پرچم سرخ در جاده ای کوهستانی به پیش میروند و آواز سر میدهند: «زنه باد تعادل استراتژیک! مرگ بر فوجیموری جلادا زنده باد حزب کمونیست پرو! زنده باد ارتش چریکی خلق!» اینها «راه درخشانی‌ها» هستند و این صحنه آغازین یک گزارش تلویزیونی هیجان انگیز به همین نام است. این گزارش نخستین بار در ماه ژوئن و مجدداً در ماه سپتامبر ۹۲ از شبکه ۴ تلویزیون انگلستان پخش شد. یزید کمپوس و مارک دو بوفور تهیه کننده و کارگردان این ویدئو هستند.

«راه درخشانی‌ها» تصویری است متفاوت از آنچه تاکنون توسط رسانه‌های دروغپرداز در مورد حزب کمونیست پرو و جنگ خلق ارائه گشته است. در مقدمه ویدئو از زبان راوی چنین می شنویم: «برنامه امشب یک حقیقت دست اول را ارائه میدهد - گزارشی از درون دربار سازمانی که هیچگاه قبلاً بر صحنه تلویزیون ظاهر نگشته است. بعد از بیش از ۱۰ سال جنگ، چریکهای راه درخشان پرو کشور را به آستانه انقلاب رسانده اند. در زمانی که کمونیسم عموماً در حال عقب نشینی است، راه درخشان به قدرتمندترین جنبش چپی در آمریکای لاتین بدل گشته است.»

شخصیتهای اصلی این گزارش «تروریستهای ناشناس همدست قاچاقچیان مواد مخدر» نیستند. آنها، خلقی آگاه و انقلابی؛ اعضای ارتش چریکی خلق، دهقانان، کارگران و زندانیان سیاسی. در این ویدئو ما با رفیق لوتیز (یکی از فرماندهان ارتش چریکی خلق) آشنا میشویم که به زبان ساده و صریح، اهداف و علل پیشروی جنگ خلق پرو را بیان میکند؛ دورنمای پیروزی را از زبان رهبران آگاه جنبش تهیدستان شهری میشنویم؛ مراسم بزرگداشت روز جهانی زن از سوی زندانیان قهرمان «کانتو گراند» را می بینیم که استوارانه با پرچمهای سرخ و داس و چکش و مشعلهای فروزان رژه میروند و سرود «جنبش خلقی زنان» را میخوانند. گوشه ای از نمایشات ویژه این روز که با خواندن نقل قول‌هایی از مارکس، لنین و مائو درباره مسئله زن و نقش

زنان در انقلاب پرولتری همراه است را از نظر میگذرانیم.

صحنه پایانی ویدئو چنین است: گروه کثیری از دهقانان و جنگجویان چریک در میدان دهکده سورتا در استان آیاکوچو برای مراسم انقلابی که توسط کمیته علنی خلق برگزار شده، جمع گشته اند. زن و مرد، پیر و جوان شادمان و پر شور گرد آمده اند. کودکان پرچمهای سرخ کارستی که بر آنها نشان کمونیستی داس و چکش نقش بسته را در هوا تکان میدهند. مادرانی را می بینیم که بچه هایشان را به پشت خود بسته اند؛ میانسال‌های مو خاکستری؛ چریکهای جوان با کوله پشتی و تفنگ؛ و طنین شعارها در کوهستان: «زنه باد حزب کمونیست پرو! زنده باد! زنده باد!»

یک زن چریک جوان با گامهایی مطمئن مقابل جمعیت میآید. او کلاهی حاشیه دار مخصوص اهالی آند بسر دارد که با یک گل تزئین شده است. موهای سیاهش را با روبان بسته است. تفنگی در دست دارد. با صدائی محکم و سرشار از اراده که درست از قلبش نشأت میگیرد قطعه ای را که به صدر گونزالو تقدیم کرده، دکلمه میکند:

«به بزرگترین انسان عصر ما، رهبر حزب و انقلاب پرو - صدر گونزالو، سالهای شکوهمند مبارزه و پیروزی را می گذرانیم و برای کسب قدرت در مناطق روستائی به پیش میرویم. امروز که کمیته های علنی خلق را برپا میکنیم و جنگ متحرک را براه می اندازیم، او ما را در فعالیت و مبارزه رهبری میکند. صدر گونزالو بزرگترین انسان عصر است. می پرسید صدر گونزالو کیست؟ او رهبر نوین مبارزه ای قهرمانانه است. آموزگار آموزگاران، بزرگ بزرگان، او عقاب حزب ماست. به انقلاب پیروزمند چندین ساله نگاه کنید. ببینید که او چگونه کمونیستها را در رگهای خویش پرورش داد؛ چگونه واحدهای پولادینی ساخت که بتوانند در برابر هر توفانی ایستادگی کنند. ببینید که چگونه او قدرت نوین را شخت به شخت بنا نمود. شورش بر حق است. ما چه داریم؟ هیچ، ما چه می خواهیم؟ همه چیز. ما جامعه ای نوین می

این ویدئو شامل بخشهای زیر است:  
۱ - مصاحبه با رهبران و اعضای ارتش چریکی خلق.

۲ - افشای مستند جنگ تبهکارانه ضدانقلابی حکومت پرو به پشتیبانی آمریکا، و مصاحبه با دهقانان درباره قوای حکومتی که برای ارباب و کشتار مردم به روستا پا میگذارد.

۳ - گزارشی مستقیم از آبادیهای سرخپوست نشین در کوههای آند که اینک تحت حاکمیت کمیته های علنی خلق قرار دارد. مصاحبه ها که بزبان اسپانیائی و کوچوآ تهیه شده با دهقانانی است که درباره چگونگی زندگی در مناطق پایگاهی آزاد شده و چگونگی نگاه کردشان به جنگ خلق به صحبت می پردازند.

۴ - فیلمی از دهقانان در روستا بهنگام کار جمعی و مصاحبه ای با کمیسر محلی یک منطقه پایگاهی.

۵ - مصاحبه با زندانیان انقلابی در زندان کانتوگراند، به همراه فیلم هیجان انگیزی از نمایشات انقلابی و مراسم مخصوص روز جهانی زن توسط زنان اسیر. تنها یکماه بعد از تهیه این فیلم رژیم فوجیموری کشتار جمعی سبعانه ای را علیه این زندانیان به انجام رساند.

فیلم ویدئویی «راه درخشانی‌ها» را می توانید از دفتر نشریه «آل دیاریوی بین المللی» در بلژیک به آدرس

EL DIARIO INTERNACIONAL

BP 705

1000 BRUSSELS 1

BELGIUM

یا از طریق نشانی ما در سوئد تهیه کنید.

خواهیم عاری از غنی و فقیر. جامعه ای در هماهنگی کامل. صدر گونزالو با دفاع از مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم و اندیشه گونزالو و بکار بست آن، چنین جامعه ای را تضمین میکند. و جنگ خلق در پرو بر امیدهای درخشان روشنائی می بخشد. اندیشه گونزالو را در دست گیرید!

نمایش این گزارش، خشم ارتجاع حاکم بر پرو و اربابان امپریالیستش را برانگیخته است. رژیم فوجیموری تلاش بسیاری برای جلوگیری از نمایش آن در اروپا بعمل آورده و برخی مطبوعات انگلستان نیز به تهیه کنندگان گزارش و مسئول پخش آن در شبکه ۴ حمله کرده اند.

«طی ۱۲ سال جنگ خلق، صدر گونزالو ما را به مرحله تعادل استراتژیک رسانده است. تعداد کسانی که اولین عملیات را در دهکده چوشچی انجام دادند اندک بود؛ اما امروز ما هزارانیم. این را مدیون رهبری صدر گونزالو هستیم.»

«۱۲ سال پیش کسی حزب را جدی نمیگرفت. مردم درک کرده اند که حزب راه حل تمام مشکلات است. حزب مسائل روستا را حل میکند؛ به جرائم رسیدگی کرده و آنها را حل میکند؛ حزب راه حل ارائه میدهد، نه وعده و وعید؛ به هر جا که پا گذارد آنجا را متحول میکند.»

«ما زندانی جنگی هستیم. بمشابه رزمندگان ارتش چریکی خلق ما سه وظیفه را به پیش میبریم. علیه نقشه های کشتار که بخشی از کارزار حکومت است می جنگیم. خواهان حقوق خود بمشابه زندانی میشویم. خود را از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی توسط مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم و اندیشه گونزالو، آماده میکنیم. و میکوشیم خودکفا باشیم تا باری بر دوش توده ها نشویم.»  
(دیانا، نماینده زندانیان انقلابی در کانتوگرانده - لیما)



تصویری از رژه در زندان زنان

«ما به این مسئله آگاهیم که قهر، تحول ایجاد میکند. قهر انقلابی یک ضرورت است. یک قانون مائوئیستی است. بدون قهر هیچ تحول انقلابی صورت نمیگیرد. اگر کفش شما پاره شود چکار میکنید؟ آن را عوض میکنید. آنوقت با کفش کهنه چه میکنید؟ آن را دور می اندازید. ما اینگونه عمل میکنیم. این جامعه کلا فاسد است. باید آن را نابود کنیم و بجایش جامعه ای نو بگذاریم.»

(فرمانده لوئیز، یکی از فرماندهان سیاسی و نظامی ارتش چریکی خلق)

«به فقر موجود در اینجا نگاه کنید - میتوانید آنرا احساس کنید. اینجا یک منطقه غنی بود. در اینجا دامداری میشد و حیوانات دیگری نظیر خرگوش و خوکچه هندی پرورش داده میشد. اما امروز هیچ چیز برجای نمانده است. چرا؟ بعلت سیاستهای دولت کهن. سیاستهای مربوط به شوک اقتصادی برای مردم بدبختی ببار آورده است. مردم باید همه چیزشان را برای بقاء بفروشند. وظیفه حزب ارائه یک آلترناتیو است - یک راه حل. و خلق از ما حمایت میکند.»

# درباره شکل گیری و تکامل يك کارزار بین المللی

اگرچه دستگیری رفیق گونزالو صدر حزب کمونیست پرو ضربه ای سنگین بود ولی نتوانست پرولتاریای بین المللی را غافلگیر و فلج کند. پاسخ سریعی که به تعرض دشمن داده شد، این واقعیت را نشان داد. کارزاری جهانی به ابتکار و رهبری مائوئیستها، متکی بر توان و انرژی و امکانات توده ها، و دربرگیرنده صف گسترده ای از نیروهای انقلابی و ترقیخواه و مخالف نظم موجود برپا گشت.

کمیته «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی»، پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان را فراخواند تا «برای دفاع از جان صدر گونزالو زمین و زمان را بهم بریزند». این اعلام آغاز نبردی پیچیده و دشوار و طولانی بود که اشکال مختلف و نوین مبارزاتی و تشکیلاتی را طلب میکرد؛ می بایست ناشناخته ها را شناخت و راه های جدید را کشف کرد. مشخص بود که تامین هسته مرکزی و نیروی محرکه این نبرد بر دوش نیروهای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است؛ نقطه عزیمت و مبنای اساسی این حرکت، اتکاء به نیروی لایزال توده ها می باشد و با اتکاء به چنین نیروی است که میتوان زمین و زمان را بهم ریخت.

موضوع مهم دیگری که باید درک میشد، ضرورت و امکان متحد کردن وسیعترین صف موجود برای پیروزی در این کارزار بود. می بایست همه کسانی که میتوان حول شعار مرکزی کارزار با آنها متحد شد را متحد نمود. بویژه برای موفقیت در طرحهای دفاعی باید عناصر و شخصیتها و نیروهای جلب و بسیج میشدند که علیرغم تمایزات ایدئولوژیک و سیاسی شان با جنبش مائوئیستی، پتانسیل شرکت در چنین کارزاری را داشتند. توانایی و قدرت جنبش مائوئیستی در سطح بین المللی و بویژه در پرو، و فشارها و تعرضات فزاینده نظام امپریالیستی بر اقشار و طبقات گوناگون، شرایط عینی مساعدی را برای موفقیت جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در این کار فراهم می آورد. در همین حال، «کمیته اضطراری بین المللی برای نجات جان دکتر آیمال گوسمان» ایجاد گشت. تشکیل این کمیته که بر مبنای فراخوان و خصلتش شکل مناسبی از اتحاد نیروها و شخصیتهای گوناگون حول يك مسئله مبارزاتی مشخص ارائه میداد، توانست هماهنگی و هدایت عمومی کارزار را میسر سازد.

گسترش صفوف فعالین و شرکت کنندگان در این کارزار، بدون سازماندهی تبلیغ و

ترویج منظم و موثر ناممکن بود. تهیه و تبادل لحظه به لحظه اخبار و اطلاعات، افشای پیگیرانه سیاستهای دشمن، انعکاس مبارزات متنوع در کشورهای گوناگون، و اعلام نیازهای عاجل کارزار باید عملی میشد. انتشار «بولتن های اضطراری» از سوی کمیته این نیاز را بخوبی پاسخ گفت. در عین حال، همین کار کمک کرد که مردم در سراسر جهان درک روشنتری از اهمیت و اضطرار کارزار بدست آورند و بطور مداوم فعالتهایشان را تشدید کنند.

حرکت پر شور رفیق گونزالو در اسارت و سخنرانی تاریخیش در برابر خبرنگاران، به کارزار بین المللی شتابی محسوس بخشید. توده ها در سراسر جهان از این مبارزه الهام گرفتند و در سطحی وسیعتر از پیش به جنبش دفاع از جان صدر گونزالو پیوستند. صدها هزار نفر در نپال، هند و بنگلادش خشم انقلابی خویش را نسبت به امپریالیسم آمریکا و نوکرانش در پرو اعلام داشتند. صدها زندانی سیاسی در ترکیه که اعتصاب غذایی را علیه رژیم آن کشور آغاز کرده بودند به پشتیبانی از کارزار ما برخاستند. از خیابانها و محلات فقیرنشین و کارگری آمریکا، مکزیک و کلمبیا شعار دفاع از جان گونزالو بگوش رسید. صدها هواخواه انقلاب - منجمه از میان پناهندگان ایرانی - در پیشبرد برنامه های کمیته اضطراری در اروپا سهم گرفتند و کوشیدند ضرورت این مبارزه را در وسیعترین سطح ممکن تبلیغ کنند. فراخوان کمیته اضطراری بین المللی به ابزار مهم و موثری برای بسیج توده های وسیع و نیز شخصیتها و نیروها از هر قشر و طبقه ای تبدیل شد. در آفریقای جنوبی و بعضی نقاط دیگر، کمیته های دفاع از جان صدر گونزالو حول همین فراخوان شکل گرفت. سیل نامه ها و تلگرافهای اعتراضی بسوی مقامات دولت پرو و نهادهای حقوقی بین المللی سرازیر شد.

در کشورهای امپریالیستی، کم نبودند افراد و نهادهای مدعی دفاع از حقوق بشر و مخالفت با استبداد که به فراخوان کمیته اضطراری پاسخ منفی دادند یا سکوت کردند. دولت های غربی به یاری حکومت فوجیموری آمده و با تهدید آشکار فعالین کارزار کوشیدند در آن اخلال کنند. مطبوعات امپریالیستی با پیشبرد توطئه سکوت و منعکس نکردن خبر مبارزات خواستند مردم را نسبت به نتایج کارشان دلسرد کنند. تحت چنین شرایطی، گردآوردن اعضای اولین هیئت

نمایندگی جهت اعزام به پرو در آستانه برگزاری محاکمه رفیق گونزالو دشواریهای معینی داشت. اما روشن بود که اینکار در پیشرفت کلی کارزار اهمیتی انکار ناپذیر دارد. کمیته اضطراری موفق شد با کار سیاسی مشخص که با توضیح اضطرار و اهمیت این مبارزه همراه بود، جمعی از وکلا را بعنوان اعضای هیئت گرد آورد. نمایندگان به لیما اعزام شدند و توانستند با افشاگریهای شجاعانه نقش مهمی در شکستن دیوار سانسور بازی کنند. موفقیت کمیته در تشکیل و اعزام هیئت اول، زمینه جلب شخصیتهای ترقیخواه و سازماندهی آنها در هیئت های بعدی را مساعدتر ساخت. رژیم پرو که از هیئت اول زخم خورده بود با همکاری آشکار حامیان امپریالیستش اعضای دومین هیئت اعزامی به لیما را دستگیر کرده، مورد بازجوئی قرار داد و سپس از کشور اخراج نمود. اما همین اقدام باعث رسوائی بیشتر دشمنان انقلاب گشت و از سوی دیگر، نشان داد که آنها تصمیم دارند در اولین فرصت ممکن و دور از چشم جهانیان، رفیق گونزالو را از میان بردارند.

با برگزاری دادگاه نظامی و اعلام محکومیت رفیق گونزالو به حبس ابد، تلاش برای قتل «فوق قانونی» وی با جدیت بیشتری طرح گشته است. برگزاری رفراندوم در مورد برقراری مجدد مجازات اعدام، حرکت دیگری است از سوی ارتجاع پرو برای پیدا کردن توجیحات قانونی و تسهیل قتل گونزالو و دیگر زندانیان انقلابی. بنابراین، خطر بهیچوجه برطرف نشده و کارزار بین المللی می باید با اضطرار و شدت بیشتر ادامه یابد. این نبرد طولانی، انرژی پایان ناپذیر فعالین و سازمانگراش را طلب میکند. جنبش ما در این زمینه سیاست صحیح و روشنی اتخاذ کرده است. توده هایی که تمیخواهند نظم حاکم را تحمل کنند، پشتوانه عظیمی را برای پیشبرد این نبرد فراهم ساخته اند. جبهه ای که حول شعار نجات جان رفیق گونزالو شکل گرفته با خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و ارتجاع، قدرتمندتر میشود. تداوم جنگ خلق در پرو، دولت کهن را بلرزه درآورده و شکانها و تضادهای درونیش را افزایش میدهد. همه این عوامل نشان میدهد که در این نبرد دشوار و پیچیده میتوان پیروز شد. ما به کارزار کنونی چنین می نگریم و مبارزه ای متکی بر این روحیه و دورنما را در پیشبرد پروسه کلی انقلاب جهانی حائز اهمیت فراوان می بینیم.

# این حکومت اوباشان و تحت حمایت آمریکا است

مصاحبه با یکی از اعضای دومین هیئت نمایندگی بین المللی اعزامی به لیما

بخشهایی از مصاحبه نشریه کارگر انقلابی ارگان مرکزی حزب کمونیست انقلابی آمریکا با بیل مارتین.  
او عضو دومین هیئت اعزامی به پرو از سوی «کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان آبیما گوسمان» بود. این هیئت در حین انجام ماموریت خود در لیما دستگیر شد و پس از ۳۲ ساعت از پرو اخراج شد. بیل مارتین پرفسور فلسفه در دانشگاه دوپال شیکاگو میباشد. - حقیقت

سوال را ۳۰، ۴۰ بار از ما پرسیدند: «چه کسی خرج سفر شما را داده؟»، «از چه کسی حمایت میکنید؟»، «در لیما چه کسانی را می شناسید؟»

سپس ما را بیرون برده و داخل يك وائت کردند. شش نفر ما همراه با هشت نفر از نیروهای نظامی که تفنگهایشان را بطرف شکم و سینه ما به فاصله سی سانتیمتر از ما نشانه رفته بودند، در داخل وائت قرار گرفتیم. حدود بیست دقیقه آنجا بودیم، چرا که قرار بود ماشینهای پلیس از جلو و عقب ما حرکت کنند اما یکی از آنها روشن نمیشد و سعی میکردند تعمیرش کنند. این چیز عجیبی نبود، چون همه چیز در آنجا در حال داغان شدن است.

سپس ما را به دینکوت (پلیس ضدچریکی پرو) بردند. اینجا مانند يك دژ بود. اینجا بود که فهمیدیم مسئله جدی است، و روشن بود که دارند بر سر این فکر میکنند که آیا بما اتهام «دفاع از تروریسم» ببندند یا نه؟ این کار طبق قوانین پرو «جرم» محسوب شده و شش ماه تا ۱۲ سال زندانی دارد.

ك - ا: دوباره شما را از هم جدا کردند؟  
ب - م: نه، همه ما بر روی يك نیمکت نشستیم. یکی از نگهبانها بما گفت که این همان نیمکتی است که آبیما پس از دستگیری بر روی آن نشسته و مورد بازجویی قرار گرفت. از اینرو برخی از ما در حالیکه می گفتیم «اوه! چه افتخاری نصیبمان شده» روی آن نیمکت نشستیم.

ك - ا: بازجویی چگونه بود؟  
ب - م: مستمر و خسته کننده بود؛ و آشکار بود که میخواهند ما را به ستوه آورند. اما لحنشان هرگز تند نبود. و همان چیز مرتباً تکرار میشد.

ك - ا: طبق گفته «کمیته اضطراری» بازجویان شما با فوجیموری تماس گرفتند تا رهنمود بخواهند.

ب - م: پس از شش ساعت ما را از دینکوت بیرون بردند و به اتاقی بردند که دو ژنرال ما را بازجویی کردند. یکی از آنان به گوشه اتاق رفت و بجائی تلفن کرد. بنظر میآمد که دارد با فوجیموری حرف میزند چون مرتباً میگفت: «بله، آقای رئیس جمهور» بعداً ماریا - مترجم ما - گفت که از مکالمه تلفنی چنین به نظر بقیه در صفحه ۲۲

نشین «میرافلورس» رفتیم. برنامه این بود که هر کدام از ما شش نفر سخنرانی کوتاهی ایراد کنیم و سپس سوال و جواب شروع شود. خبرنگارانی از ۶، ۷ بنگاه خبرپراکنی در آنجا حضور داشتند.

ك - ا: آیا همه پروئی بودند؟  
ب - م: نه. يك خبرنگار انگلیسی و حداقل يك زن آمریکائی در آنجا بود..... پنج نفر از دوستان سخنرانی های خود را ایراد کردند و من يك سوم از سخنرانی خود را ایراد کرده بودم که یکنفر از میان جمعیت بلند شد و شروع به فحش دادن کرد. معلوم شد که صاحب هتل است. در این بخش از سخنرانی من داشتم بر سر فلسفه امانوئل کانت و اینکه فردی که هم اکنون در سن لورنزو حبس است (یعنی گوسمان) قبلاً يك کانت شناس بوده صحبت میکردم. این نکته جالبی است، چرا که کانت اولین فیلسوفی بود که در مورد حقوق جهانی بشر و حاکمیت قانون صحبت کرد. معلوم بود که صاحب هتل دنبال فرصت میگشت که جلسه را بهم بزند. سپس، جدلی میان خبرنگاران و ما در گرفت. من هرگز موفق نشدم که سخنان خود را تمام کنم. و بالاخره همه چیز بهم خورد. موقعی که اتاق را ترك میکردیم افراد مسلح «پلیس ملی» وارد شدند و پاسپورتهای ما را گرفتند. سپس ما را از در اصلی به بیرون بردند. لحظه حساسی بود. چرا که مردم با فشار به درون می آمدند و مطبوعات هم حضور داشتند. فکر میکنم از آن موقع به بعد و برای مدت ۳۲ ساعتی که ما در دست آنان بودیم، خبرنگاران در هر جا که ما بودیم حضور داشتند - آنها همیشه در بیرون هر ساختمانی که ما را در آنجا نگهداری میکردند، بودند.

## بازجویی

ك - ا: از آنجا شما را کجا بردند؟  
ب - م: اول ما را به ایستگاه پلیس «میرافلورس» بردند و دو، سه ساعت آنجا بودیم.

ك - ا: آیا علت دستگیری را به شما گفتند؟  
ب - م: نه، هیچ چیز بما نگفتند. در واقع هرگز بما چیزی نگفتند. مردان را از زنان جدا کردند و کیف و چمدان ما را حدود بیست بار گشتند. ما را روی زمین خوابانند و چند

ك - ا: چطور شد که بالاخره تصمیم گرفتید همراه هیئت نمایندگی دوم به پرو بروید؟ از حملاتی که به هیئت اول شد مشهود بود که سفری خطرناک خواهد بود.

ب - م: صادقانه بگویم وقتی برای اولین بار اعلام کردم که هیئت را همراهی خواهم کرد یا خودم در کشمکش بودم - نه آنقدر بخاطر خطرناک بودن این سفر که بیشتر برای اینکه وظیفه دیگری به زندگی پرمشغله من اضافه خواهد شد. اما سپس بیشتر و بیشتر بر سر این مسئله که چرا میخواهم دست به این کار بزنم وضوح یافتیم. آنگاه آرامشی بر من غلبه یافت و آماده انجام اینکار شدم. و در سراسر سفرم این احساس هرگز از من دور نشد. چند چیز بود که نگرانم میکرد. مثلاً، میترسیدم گلوله ای از اسلحه این اوباش که خیابانها پر از آنها بود در برود و بما بخورد. اما بجز این احساس میکردم که اینکار نه تنها واقعا مهم است بلکه از اینکه در چنین موقعیتی قرار گرفته ام احساس افتخار میگردم.

## دستگیری

ك - ا: هیئت شما سه شنبه صبح وارد لیما شد. بما بگوئید که تا زمان دستگیری که عصر آنروز رخ داد چه گذشت.

ب - م: ساعت هفت و نیم صبح از فرودگاه بیرون آمدیم. تا هتل ۴۵ دقیقه راه بود. در سر راه خیلی چیزها را دیدیم. یکی از چیزهایی که توجه مرا جلب کرد آن بود که کارخانه کوکاکولا مثل يك دژ نظامی حفاظت میشد. در میان تمام ساختمانها و کارخانه هائی که توسط نیروهای نظامی نگهبانی میشد و توسط سیمهای خاردار و برجهای نگهبانی حفاظت میشد، این یکی از همه عجیبتر بود. شعارهای زیادی بر دیوار بچشم میخورد. یکی از شعارهایی که چندین بار دیدم این بود: «فوجیموری سلطان مواد مخدر است». چند شعار دیگر هم مانند «پیش بسوی جمهوری خلق» دیدیم؛ اینها از نوع شعارهای راه درخشان بود.

بالاخره به هتل رسیدیم. نماینده های اروپائی هیئت برای چند روز آینده برنامه مفصلی را تهیه دیده بودند که اولینش يك کنفرانس مطبوعاتی بود. حدود ساعت ۲ به هتل دیگری بنام «لا آسیندا» در منطقه پولدار

## این حکومت ...

می آمد که فوجیموری میگوید اینها را از کشور بیرون کنید. فوجیموری میگفت، با اولین هواپیما آنها را اخراج کنید. در تمام ۲۲ ساعتی که ما در دست آنها بودیم از سوی آنها هیچ مترجمی نبود. سه نفر از ما که اسپانیایی هیچ بلد نبودیم، نمی توانستیم بفهمیم که آنها چه میگویند. ماریا نمی توانست در آن واحد همه جا باشد و همه چیز را ترجمه کند. او بالاخره خسته شد و بعد از یکمدت خیلی از چیزهای آنها را ترجمه نمیکرد و حق داشت. اما جنبه مثبت این مسئله آن بود که ما آزادانه با یکدیگر حرف میزدیم و آنها هم نمی فهمیدند که ما چه میگوئیم، و حتی زمانی که اینها در همان اتاق حضور داشتند ما نقل قولهایی را از سخنرانی گوسمان که در قفس بپر ایراد کرد، بلند بلند بیان میکردیم. مثلاً آنها سئوالاتی را از ما میکردند و ما رو بهم میکردیم و مثلاً میگفتیم: «این فقط يك پیچ است در جاده طولانی.» یا اینکه: «آنها خواب می بینند. بگذار خواب ببینند.»

## همدستی سفارت آمریکا

ك - ا: پس آن شب شما را نگاهداشتند؟  
ب - م: حدود يك صبح بود که فهمیدیم ما را اخراج خواهند کرد. اما باید در «دفتر کنترل خارجی ها و توریستها» که در نقطه ای دیگر از همان مجموعه دینکوت قرار داشت، می ماندیم. درست قبل از اینکه ما را به آنجا ببرند بنظر آمد که اوضاع میتواند خطرناک شود. يك نفر آمد و ورقه های بازجویی ما را گرفت و بجای دیگری که بر سر ما بحث بود، برد. وقتی او برگشت ما فکر کردیم که همین الان یا ما را ول کرده و یا به فرودگاه خواهند برد. اما ماریا که با او صحبت میکرد گفت که نخواهند گذاشت که ما برویم و باید همین جا بمانیم. سپس ما را بجای دیگری بردند و پس از یکی، دو ساعت نشستن در آنجا و بازجویی مجدد توسط دو ژنرال فهمیدیم که ما را اخراج خواهند کرد. اما بدلیل بوروکراسی آنها و یا دلایل دیگر باید شب را در همان جا می گذراندیم. تا اینکه آنها بتوانند روز بعد مقدمات اخراج ما را فراهم کنند. مسئله یا این بود و یا همدستی سفارتخانه ها. برای من غیرقابل تصور است که آنها نمی دانستند ما دستگیر شده ایم، چرا که خبر توسط تلویزیون پخش شده بود. شاید فکر میکردند که بهتر است شب را در آنجا بمانیم و کمی تنبیه شویم.

ك - ا: طبق گفته «کمیته اضطراری» وقتی به سفارت آمریکا در پرو تلفن شد و از آنان درمورد موقعیت هیئت پرس و جو شد، سعی کردند کمیته را دست بسر کنند و این درک را بدهند که گویا هیئت در سفارت آمریکا بوده و مصونیت دارند.

ب - م: من حتی نمیدانم سفارت آمریکا کجاست، و بهیچوجه حقیقت ندارد که ما در

مشاهده يك دولت فاشیستی پی بردم از یکسو اصل عالیله فاشیسم عبارت است از نظم. اما از سوی دیگر همه چیز در آنجا در هم برهم است و تقریباً يك هرج و مرج کامل برقرار است. با کمی دقت آدم میبیند که اوپاش هستند که این سیستم را می چرخانند و تنها چیزی که واقعا آنها سرپا نگاهداشته، امپریالیسم آمریکاست. اگر این نباشد کل این سیستم بسرعت از هم می پاشد.

سطح دیگری از جواب ما این بود: عدالت مسئله ای است مربوط به بشریت و مرزهای مصنوعی مانند مرزهای ملی نمیتوان بدور آن کشید. این اتهام که ما برای «فصولی» در کار دیگران آمده ایم آنقدر بیخود است که فکر نمیکردیم حتی کسی بفکرش برسد آنرا مطرح کند. اگر ما میرفتیم آنجا که پروئی ها را محکوم کنیم يك مسئله دیگر بود. اما کار ما این نبود. و واضح است که ما برای اینکه بتوانیم حرفمان را بزینم باید بهائی می پرداختیم. بنابراین هیچکس نمی تواند بما این اتهام را بزند که می خواستیم در نقطه ای دور دست بنشینیم و از راه دور بعضی ها را محکوم کنیم.

ك - ا: برخورد همکاران و دانشجویانانتان پس از بازگشت چگونه بود؟

ب - م: با بسیاری از آنها صحبت کردم. در دانشگاه دوپال همه واقعا پشتیبان من بودند. قبل از اینکه بروم و وقتی برگشتم عده زیادی نسبت به من اعلام پشتیبانی کردند. وقتی برگشتم همه مرا در آغوش میکشیدند و به پشتم میزدند. تا آنجا که میدانم فقط یکی از همکاران بطور منفی سخن گفته است. تقریباً همه بنوعی پا پیش گذاشته و بطرق مختلف کمک کردند. دانشجویان یکی از کلاسهای بمن گفتند که اجازه نخواهند داد که من درس بدهم، مگر اینکه تمام وقایع را جزء به جزء شرح دهم. افراد بخش مطالعات آمریکای لاتین برنامه ای ترتیب داده اند که در آن يك ویدئو درمورد چریکهای پرو را به معرض نمایش خواهند گذاشت و من هم در آنجا سخنرانی خواهم کرد.

من اصلاً دلم نمیخواهد که مردم فکر کنند این «ماجرای جوی عظیم بیل» یا چیزی از این قبیل بود. بلکه دلم میخواهد عطف توجه بر روی مسائل سیاسی باشد. موقعی که ما در دینکوت بودیم يك پسر سرخپوست ۱۵، ۱۶ ساله را برای بازجویی آوردند. برخوردشان به او کاملاً متفاوت بود. او را مجبور کردند که صورتش را به دیوار بچسباند و همانجا بایستد. مرتب او را به اینور و آنور هل میدادند و فحش نثارش میکردند. و بالاخره او را بردند. روی ما هم فشار بود، اما در مقایسه با آن چیزی که واقعا بر زندانیان سیاسی پرو میگذرد فقط يك ناراحتی جزئی بود.

ك - ا: با توجه به اینکه به هیئت شما چنین برخوردی شد، اوضاع و اضطرار آنها چگونه میبینید؟ آیا هیئتهای دیگری لازمست؟

ب - م: فکر میکنم که اکنون افراد مشهورتر باید پا بجلو گذارده و به پرو بروند.

آنجا یا حتی در نزدیکی های آنجا بودیم. بقیه روز چهارشنبه هم با همان نوع بازجویی ها گذشت. آنها سعی میکردند ما را بر سر دکتر کرسپو (وکیل گوسمان) گیر بیندازند و چیزی از ما در بیاورند. مرتباً تلاش میکردند که بین ما و او ربط ایجاد کنند. بهمین دلیل ما بشدت نگران کرسپو شدیم.

ك - ا: طبق گزارش مترجم هیئت، ماریا ناوارو، او شنیده که بازجویان سخنان تهدیدآمیزی علیه کرسپو رد و بدل میکردند.

ب - م: صحیح است. آنها گفتند «مورد کرسپو از مرحله تحقیقات گذشته است» واضح بود که دنبال بهانه ای برای دستگیر کردن او میگرددند. بنظر من آنها براحتی میتوانند بهانه ای درست کنند.

ساعت ده شب چهارشنبه ما را به فرودگاه بردند. از آنجایی که فرودگاه پر از خبرنگاران بود، ما مجبور شدیم دو ساعتی درون وانت بنشینیم. به یکی از نگهبانان گفتیم که برایمان چند روزنامه بخرد. بدین ترتیب به چند نسخه از روزنامه های لیما دست یافتیم.

ك - ا: اخبارشان درمورد شما چگونه بود؟

ب - م: فی الواقع خوب بود. البته خصمانه بود و بمثابة «طرفداران تروریسم» بما حمله کرده بودند؛ اما از این زاویه که ما میخواستیم بطریقی همبستگی خود را به مردم اعلام کنیم، کاملاً خوب بود. چرا که روزنامه ها القابی از این دست بما داده بودند: «وکلاهی آبیما» و «وکلاهی راه درخشان». بنابراین برای کسانی که در طرف مردم قرار داشتند کاملاً روشن بود که ما برای همبستگی با آنان به آنجا رفته ایم. از این جهت وقتی مطبوعات را دیدم خیلی خوشحال شدم. رژیم فوجیموری مرتباً هر سنگی که بر میدارد روی پای خودش می اندازد. بنظر من نمایش دادن آبیما در قفس بپر پس از دستگیریش کاملاً به ضد رژیم بدل شد.

هیئت های بیشتری بطور عاجل لازم است.

ك - ا: بنظر میآید که برخورد فوجیموری به هیئت دوم از سر استیصال بود.

ب - م: بله. من فکر میکنم که پس از حملاتی که به هیئت اول کردند از ورود شش نفر هیئت دوم بشدت زخم خوردند. هرچند ما نتوانستیم تمام برنامه خود را اجرا کنیم، با این وصف با رفتن به آنجا دستاوردهای زیادی کسب کردیم و اکنون با استفاده از آن دستاوردها کارهای بمراتب بیشتری انجام خواهیم داد.

ك - ا: بنظر میآید فوجیموری در حمله به هیئت ها از این خط استفاده میکند که «این خارجیها می آیند که در امور داخلی ما دخالت کنند».

ب - م: بما هم چنین چیزی گفته شد و ما در دو سطح جواب آنها دادیم. یکم اینکه، برخی از ما اهل آمریکا هستیم، یعنی قدرتی که حامی حکومت پرو است. بعنوان يك فیلسوف سیاسی در چند سال گذشته من تلاش داشتم که به ماهیت فاشیسم و اینکه واقعا فاشیسم چیست، پی ببرم. جالب است که با



## «جهانی برای فتح»

شماره ۱۷ منتشر شد

مقالات مهم این شماره عبارتند از:

«کمونیسم در پرو به پیش می تازد»

این مقاله گذر جنگ خلق به مرحله تعادل استراتژیک را مورد بررسی قرار می دهد.

«دمکراسی: بیش از هر زمانی می توانیم و باید بهتر از آنرا بدست آوریم»  
نوشته رفیق باب آواکیان - صدر حزب کمونیست انقلابی آمریکا. این مقاله به موضوعات زیر می پردازد:

- وقایع اخیر در بلوک سابق شوروی و چین
- تجربه کمون پاریس، انقلاب اکتبر، انقلاب چین
- اعمال قدرت در جامعه سوسیالیستی: رهبری، توده ها و دیکتاتوری پرولتاریا
- مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم و اشکال حاکمیت توده ای
- مشکل بوروکراسی، نقش حزب و ساختارهای دولتی تحت سوسیالیسم
- تمرکز و عدم تمرکز و زوال دولت
- مدل انتخاباتی بورژوازی یا رهبری توده ها برای بازسازی جهان
- سانترالیسم دمکراتیک، مبارزه دو خط و حفظ پیشاهنگ در جاده انقلاب
- چه نوع حزبی؟ چه نوع انقلابی
- و مطالب دیگر

بزودی منتشر می شود:

## «جهانی برای فتح» شماره ۱۸

متن کامل مصاحبه صدر گونزالو

با روزنامه «ال دیاریو» در سال ۱۹۸۸

بهمراه مقالاتی چون:

- گزیده ای از يك سند حزب کمونیست پرو
- گزارشی از کارزار بین المللی
- دفاع از صدر گونزالو
- گزارشی از قتل عام
- زندانیان سیاسی کانتو گرانده

روشن است که در برخورد به هر کدام از هیئت هائی که تاکنون اعزام شده اند، رژیم فوجیموری بدعتی نهاد، بنابراین سئوال اینست که گام بعدی آنها در برخورد به هیئت بعدی چه خواهد بود. فکر میکنم باید افراد مشهورتر یا پیش گذارند - افرادی که حکومت پرو و حکومت ایالات متحده که پشت سر آنست نتوانند براحتمی آزارشان دهند.

ک - ا: و این شامل سازمانهای مانند عفو بین الملل هم میشود.

ب - م: اینها بدرستی به وظایفشان عمل نکردند، و آنچه تاکنون کرده اند تاسف آور است. اما باید کمبودهای خود را جبران کنند. مارکس گاهی صحبت از این جبران کردن میکند، و اینها باید این کار را بکنند. هیچوقت دیر نیست، مسئله دیگر - همانطور که ما در کنفرانس مطبوعاتی خود در لیما مطرح کردیم - اینست که باید از رژیم فوجیموری خواسته شود مدرکی مبنی بر زنده بودن آیمال ارائه دهد؛ و اشکال مختلف شکنجه ای که هم اکنون علیه او بکار بسته میشود، موقوف شود؛ و باید روشن کرد که کل پروسه محکمه او مضحکه ای بیش نیست. حکومت پرو باید مطلقا مسئول همه چیز شناخته شود و باید برای آنان روشن کرد که بهای سیاسی بسیار گرانی را برای آنچه انجام میدهند، خواهند پرداخت.

در میان افراد هیئت نمایندگی گرایشات مختلفی نسبت به انقلاب موجود بود. من نمیخواهم مبلغ نوعی از تجربه گرایی ساده و سطحی باشم؛ اما هرکس که بمیان جامعه پرو برود و همان چند نکته ای که ما سعی میکردیم در کنفرانس مطبوعاتی خود بگوئیم بچشم ببیند، قطعاً به این نتیجه خواهد رسید که این حکومت يك حکومت مزخرف است و مطلقاً ذره ای مشروعیت ندارد. آنوقت هر نظری هم که بر سر انقلاب داشته باشد، قبول خواهد کرد که این سیستم باید برود. بنابراین من فکر میکنم امکان بسیاری برای اینکه افراد بیشتری حول این مسئله جمع شوند، وجود دارد. این حکومت، حکومت اوباشان است و آنچه حفظش کرده، قدرت خارجی پشت آنست ■

کمکهای مالی خود

را به آدرس زیر ارسال دارید

NAT WEST BANK  
SARBEDARAN  
ACC NO 27324958  
ARCHWAY BRANCH  
LONDON, U. K.

«جنگ خلق پیروز خواهد شد؛ خواهید دید!»

رفقای حزب کمونیست پرو، جنگندگان ارتش چریکی خلق، خلق پرو: ما در لحظاتی تاریخی بسر میبریم. همه ما این را میدانیم. هیچ دلیلی برای نادیده گرفتن این شرایط وجود ندارد. در چنین لحظاتی باید تمام قوای خود را متمرکز کنیم و حداکثر برسائیم تا بتوانیم به انجام وظایفمان ادامه دهیم. تا بتوانیم موفقیت‌های جدید و پیروزی را بکف آوریم!

ما در این سنگرها نبرد میکنیم؛ زیرا ما کمونیست هستیم! زیرا ما از منافع خلق، از اصول حزب، از جنگ خلق دفاع میکنیم. این کاری است که ما انجام میدهیم. هم حالا و هم در آینده! ما اینجا در چنین شرایطی بسر میبریم. بعضی‌ها میگویند که این يك شکست بزرگ است. بگذار به همین خیال باشند. امروز ما اعلام میکنیم که آنچه اتفاق افتاده صرفاً پیچی در جاده است. هیچ چیز بیش از این نیست. پیچی در میانه جاده. راه طولانی است و ما آنرا خواهیم پیمود. ما به مقصد خواهیم رسید و ما پیروز خواهیم شد! خواهید دید.

ما باید وظایف مطروحه در پلنوم سوم کمیته مرکزی که واقعه ای شکوهمند است را ادامه دهیم! این پلنوم آغاز گشته و ادامه خواهد یافت. ما باید طرح های جنگ خلق برای کسب قدرت را پیاده کنیم. ما به تکوین ششمین نقشه نظامی ادامه خواهیم داد. این وظیفه ماست! ما باید همراه با پرولتاریا و خلق این امر را به انجام رسانیم!

امروز راه دمکراتیک بمشابه راه رهائی، بمشابه راه رهائی خلق تکامل یافته است! در چنین شرایطی است که عملیاتمان را توسعه میدهیم. و حال به کجای راه رسیده ایم؟ به تعادل استراتژیک!

چشم بستن بر این واقعیات بیهوده است. به تاریخ پرو بنگرید. به قرون هیجدهم، نوزدهم و بیستم نگاه کنید و درس هایش را بفهمید! اگر آنها را نفهمید کور خواهید ماند. اول سلطه اسپانیا بود. سلطه اسپانیایی ها ما را به کجا رساند؟ به يك بحران عمیق که نتیجه اش تقسیم پرو بود. سر منشاء سیاستهای کنونی دولت اینجاست.

سپس به قرن نوزدهم نگاه کنید: به سلطه بریتانیا. و این سلطه ما را به کجا رساند؟ به يك بحران عظیم دیگر که نتیجه اش جنگ با شیلی بود. فراموشان نشود! چه اتفاقی افتاد؟ پرو بخشی از خاکش را از دست داد!

و قرن بیستم. ما در چه حالی بسر میبریم؟ يك امپریالیسم بر ما مسلط است: امپریالیسم آمریکا. واقعیت اینست. همگان اینرا میدانند. و این سلطه ما را به کجا رسانده است؟ اینك به بدترین بحرانی که کل تاریخ ما بیاد دارد، به بدترین چیزی که خلق ما تا بحال تجربه کرده رسیده ایم. ۱۲ سال مبارزه به خلق ثابت کرده که دولت پرو و ارتش پرو سراپا و تا مغز استخوان پوسیده اند. آنها ببرهای کاغذی هستند.

ما چکار باید بکنیم؟ ما باید جنبش رهائیبخش خلق را به پیش رانیم و جنگ خلق را گسترش دهیم. زمان تشکیل يك جبهه رهائیبخش ملی فرا رسیده است. زمان آنست که جبهه رهائیبخش خلق را حول ارتش چریکی خلق تشکیل داده و گسترش دهیم. اینکاری است که ما انجام خواهیم داد. این کاری است که در حال انجامش هستیم. این کاری است که برای انجامش حرکت میکنیم!

مائوئیسم بدون مانع برای شکل دادن به موج نوین انقلاب جهانی پرولتری در حال پیشروی است. بشنوید و درك کنید. آنها که گوش دارند بگوش باشند، آنان که شعور دارند - که همگان دارند - آن را بکار بگیرند! بگذارید بر تمام این عوامفریبی ها نقطه پایان نهیم!

همان قوای متخاصم که به جنگهای اول و دوم جهانی دامن زدند در حال تدارك جنگ سوم جهانی هستند. باید این امر را آشکار ساخت. ما هرگز نمی توانیم اجازه دهیم که چنین چیزی بوقوع بپیوندد! دیگر بس است!

صدمین سالگرد تولد صدر مائو فرا میرسد!

سال آینده صدمین سالگرد تولد صدر مائو خواهد بود. باید آنرا جشن بگیریم. ما يك جشن فراموش نشدنی می خواهیم. این جشن را باید از امسال شروع کنیم و سال آینده به اوج برسائیم.

میخواهم از فرصت استفاده کرده و به پرولتاریای بین المللی، به اکثریت عظیم ستمدیده درود بفرستم. به همه کمونیستهای پرو میگویم که جنگ خلق بطور اجتناب ناپذیر به پیروزی خواهد رسید. به تولد نزدیک جمهوری خلق پرو ایمان داشته باشید.

افتخار بر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!

درود و افتخار بر خلق پرو!